

ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک - خردادماه ۱۳۸۵
انجمن حمایت از کودکان کار

به نام آن که جان را فکرت آموخت.



ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک - خردادماه ۱۳۸۵
انجمن حمایت از کودکان کار

اندک جایی برای زیستن

یک عضو داوطلب

با پشت دست به شیشه‌ی طرف راننده می‌زند. چتر کوچک و عروسکی در دست دارد که تمام رنگ‌های رنگین کمان را می‌توان در آن یافت. چتر را باز می‌کند و مقابل چشمانت می‌چرخاند. چهره‌ی آفتاب سوخته‌اش به خنده‌ای می‌شکند. اشاره می‌کند: نمی‌خری...؟ وقتی نگاه متعجب تو را می‌بیند یا نگاه بی‌تفاوت را، می‌فهمد این جا کاسب نیست. نیم نگاهش به ثانیه‌هایی است که یکی یکی کم می‌شوند. فرصت اصرار کردن ندارد. باید برود به سراغ دیگران. شاید در میان انبوه ماشین‌های متوقف شده نگاه محبت آمیزی بیابد. یا حتی نگاه ترحم آمیزی. فرقی نمی‌کند. کاسبی باید بگذرد. با هر دلیلی که خرید می‌کنی، مشتری هستی و نباید از دستت داد.

شاید روزهایی که با این بچه‌ها کار نمی‌کردم خرید کردن از آنها برایم آسان تر بود. آسان تر بود که نه بگویم یا شیشه را بالا ببرم. ولی حالا پشت هر چهار راهی که متوقف می‌شوم مراقب نگاه‌های آنها هستم. وقتی نگاه آشنایی در میان شان می‌بینم، نمی‌دانم چه کار باید کرد. نمی‌دانم من بیشتر خجالت می‌کشم یا او؟ من شرمسارم که حالا داخل ماشین نشسته‌ام یا او که خندان و مغرور در انجمن مقابلم می‌ایستاد.

کار کردن و حضور در کنار کودکان کار برای من فرصت گران بهایی بود. فرصتی بود برای خیره نگاه کردن به چهره‌ای عریان و بی آرایش از زندگی. چهره‌ای که مانند خود زندگی سرشار است از تلخی‌ها و شیرینی‌های توأمان. بودن در کنار کودکانی که بسیار دیده‌ایم. کودکانی که با چرخ دستی‌های شان، بساط دست فروشی یا جعبه‌های واکس شان در جای جای این شهر دیده می‌شوند. و ماهرگز جز در کنارشان نمی‌فهمیم که لیخند‌های شان چقدر سخت بر لب‌ها جای گرفته. کودکانی که بازی‌ها و سرودهای خود را در میان کارهای سخت شان می‌سازند. کودکانی که در فضای جدی کار هم، از ابزار بازیچه می‌سازند تا فراموش نکنند که هنوز کودکانند. در انجمن به کودکان چیزهایی آموزش داده می‌شود برای تمام زندگی. به کودکان محروم می‌آموزند که هر فرصتی را چنگ بزنند و ارج بگذارند. می‌آموزند که مغرور باشند به استقلال شان و مفتخر باشند به تلاشی که می‌کنند و می‌آموزند چگونه با عزت نفس تحفه‌ی ترحم را نپذیرند و آن را از هم دلی باز شناسند.

کودکان کار از خمودگی خانه‌ها و خشونت محل کار به انجمن پناه می‌آورند. این جا سرشار است از لیخند‌های واقعی نگاه‌های از رو به رو (نه از بالا) و دست‌های مطمئن که بتوان آنها را گرفت و از زمین برخاست، بچه‌های این جا می‌آموزند بزرگ فکر کنند، شاد زندگی کنند و امیدوار باشند. در این جا به آنها آموخته‌اند که برای ساختن آینده تلاش کنند و هدف داشته باشند. این جا انجمن حمایت از کودکان کار است، شاید اندک جایی برای زیستن.



انجمن حمایت از کودکان کار
ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه کار کودکان

در انجمن به کودکان چیزهایی آموزش داده می‌شود برای تمام زندگی. به کودکان محروم می‌آموزند که هر فرصتی را چنگ بزنند و ارج بگذارند. می‌آموزند که مغرور باشند به استقلال شان و مفتخر باشند به تلاشی که می‌کنند و می‌آموزند چگونه با عزت نفس تحفه‌ی ترحم را نپذیرند و آن را از هم دلی باز شناسند.



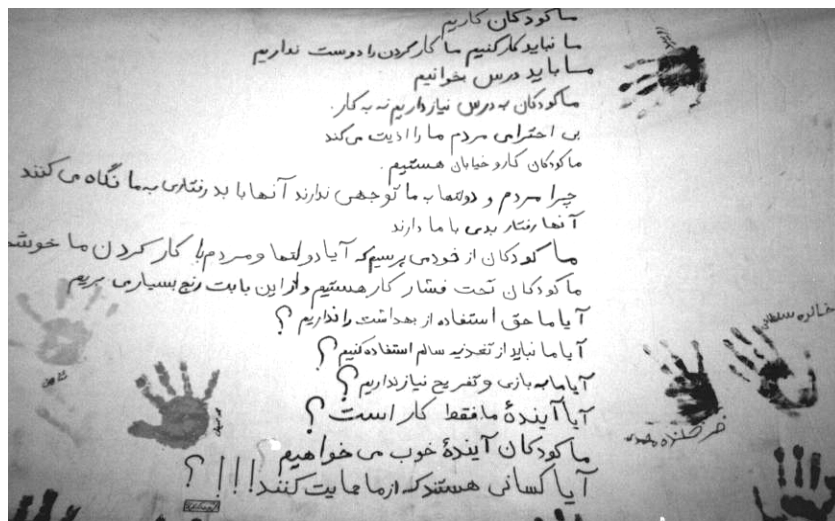
بازی کردن و درس خواندن حق ماست

جمعی از کودکان کار انجمن حمایت از کودکان کار - به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه کار کودک

- ما کودکان نباید اسیر کار کردن باشیم.
- کودکان حق دارند درس بخوانند و آموزش ببینند.
- ما حق بازی داریم.
- ما کودکان نباید رنج و سختی‌های بسیاری را تحمل کنیم.
- ما هم مانند همه‌ی کودکان دیگر حق داریم به فکر آینده‌ی خود باشیم و کارهایی انجام دهیم که ما را به جایی برساند.
- کودکان نباید در بازارها مورد آزار و اذیت و تمسخر قرار بگیرند، مردم باید به فکر ما باشند.
- ما کودکان حق داریم از هر نوع آسیبی در جامعه در امان باشیم.
- شادی ما در وجود غم و کار گم شده است و ما نیاز به پیدا کردن این شادی داریم.
- چرا مردم ما را به اسم خود صدا نمی‌زنند، بلکه ما را خیابانی می‌گویند.
- ما کودکان از هر رنگ، نژاد، مذهب و عقیده‌ای که باشیم نباید مورد تبعیض قرار بگیریم.
- ما در کوچه‌ها و خیابان‌ها کار می‌کنیم، چه کسی به فکر ما هست؟
- ما کودکان حق داریم که مسوولان کشورمان به فکر ما هم باشند.
- ما حق داریم در دنیایی سرشار از صلح و دوستی زندگی کنیم.

با آرزوی این که هیچ بچه‌ای در دنیا مجبور به کار کردن نباشد.

۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۵ خورشیدی (۱۲ ژوئن ۲۰۰۶)



- کودکان حق دارند درس بخوانند و آموزش ببینند.
- ما حق بازی داریم.
- چرا مردم ما را به اسم خود صدا نمی‌زنند، بلکه ما را خیابانی می‌گویند.
- ما در کوچه‌ها و خیابان‌ها کار می‌کنیم، چه کسی به فکر ما هست؟
- ما کودکان حق داریم که مسوولان کشورمان به فکر ما هم باشند.

لغو کار کودکان، باید در انتظار یک معامله‌ی دیگر بماند

ترجمه از سوسن بهار

دوستان عزیز این متن را انتخاب و ترجمه کردم چون تشابه زیادی با تاریخ کار کودک در بریتانیا و سایر کشور های صنعتی داشت و می توان به جرأت گفت که تاریخ مشترک کار کودکان در دو قرن اخیر در همه جای جهان بوده است. اضافه کنم که در جهان معاصر، تاریخچه ی کار کودک، با آشکار شدن این فاجعه توسط جنبش لغو کار کودک و به ویژه مرگ دلخراش و ترور اقبال مسیح، کودک کارگر ۱۲ ساله ی پاکستانی و کنار زدن پرده ی آهنین از روی پوشیده ترین راز جهان با دستان کوچک او بود. انجمنی در دفاع از حق کودک در هندوستان ۲۵ سال پیش بنیان گذاشته شد و پس از مرگ اقبال، در سال ۱۹۹۵، بخشی از این تشکل به نام گلوبال مارش (رژه ی جهانی علیه کار کودک)، شروع کرد و با سازمان دادن رژه های توسط ۳۰۰ کودک از ۲۰۰ کشور جهان و پیمودن ۸۰ هزار کیلومتر دور جهان- سرانجام توانست در تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۹۹ قطعنامه ی ممنوعیت کار کودک را به تصویب اجلاس سالیانه ی سازمان جهانی کار بقبولاند که به مقابله نامه ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار مشهور شد و سازمان ILO روز ۱۲ ژوئن را پس از جلسه با سازمان ها و دولت ها، به یمن جنبش لغو کار کودک و از قبل آن روز جهانی لغو کار کودک نام گذارد.



وبژه نامه ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک
انجمن حمایت از کودکان کار

تاریخچه ی کار کودک

کارهایی هست که به نفع کودکان است، اما کارهایی هم هست که به وسیله ی کودکان انجام می شود، این کارها به نفع آنان و برای آموزش آنان نیست اما، سود زیادی از کارشان را عاید صاحبان سرمایه می کند.

بعد از جنگ داخلی امکان استفاده از منابع طبیعی تقاضای جدید و همین طور بازار جدید مسأله نان، مسکن و توسعه ی شهرها باعث رشد، کمی طبقه کارگر و کارگر شدن بسیاری از مردم شد. و در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بسیاری از کودکان هم به بازار کار کشیده شدند. دست مزد کار در کارخانه ها به حدی پایین بود که کودکان مجبور به اشتغال و کمک به خانواده ها شدند. تعداد کودکان زیر ۱۵ سال که به کار در کارخانه ها از ۱/۵ میلیون در سال ۱۸۹۰ تا ۲ میلیون در ۱۹۱۰ افزایش یافت. صاحب کاران علاقه مند بودند که کودکان را اجاره کنند تا بزرگترها را، چرا که آن ها در کارهای غیر تخصصی کار می کردند و دست های کوچک شان به زعم آنان توانایی بیشتری برای گرفتن ابزارهای ظریف داشت. کودکان بخشی از اقتصاد خانواده ها بودند مهاجران و روستاییان مهاجر، اغلب کودکان شان را به کار می فرستادند. یا این که کودکان با آن ها کار می کردند. به هر تقدیر کودکان کارگر به طور عریانی جوانی شان را در محیط های کار تجربه می کردند. رفتن به مدرسه و ساختن آینده یک آرزویی بود که برای آن ها بسیار کم رنگ شده بود. کار کردن در عرصه ی صنعت باعث شد که سلامتی آنان به طور جدی به خطر بیفتد. بسیاری از کودکان کارگر دچار کم وزنی و فقر غذایی بودند. تحمل کردن رنج و باز ماندن از رشد و نمو و خمیدگی ستون فقرات از نشانه های این نوع کار

در جهان معاصر، تاریخچه ی کار کودک، با آشکار شدن این فاجعه توسط جنبش لغو کار کودک و به ویژه مرگ دلخراش و ترور اقبال مسیح، کودک کارگر ۱۲ ساله ی پاکستانی و کنار زدن پرده ی آهنین از روی پوشیده ترین راز جهان با دستان کوچک او بود.

بود. رشد و وسعت بیماری های ناشی از کار و محیط کارشان باعث ابتلای آنان به بیماری سل و برونشیت برای کودکانی شد که در معادن ذغال سنگ و یا مزارع پنبه کار می کردند. کودکان با سوانح زیادی در محیط کار روبرو می شدند و آسیب های جسمی و روحی زیادی در اثر کار سخت و ساعات طولانی کار می دیدند.

در اوایل ۱۹۰۰ بسیاری به وجود کودک کارگر و کودک برده اعتراض داشتند لقب کودک کارگر و کودک برده را یک می کشیدند و مصرانه خواستار از بین بردن و لغو این نوع کار بودند. آنان استدلال می کردند که ساعات طولانی کار باعث محروم شدن کودکان از تحصیل و کسب مهارت برای آینده ی بهتر می گردد. این کار در عوض آن ها را محکوم به بی سواد، فقر و تداوم تنگ دستی در آینده می سازد.

در سال ۱۹۰۴ یک گروه از رفرم خواهان پیشرو کمیته ی ملی کار کودک را تشکیل دادند. و سازمانی را بنا نهادند که هدفش لغو کار کودک بود. سازمان از کنگره ی ۱۹۰۷ منشوری در یافت داشت. در زمینه ی کار بردگی اطلاعات به دست آمده و تحقیقات انجام شده مدارک و شواهد زیادی در باره ی کار کودک در شرایط خشن ارائه شد و سپس با سازمان دادن یک نمایشگاه عکس و آمار برای نمایاندن زندگی پر مشقت این کودکان مسأله را به میان مردم و جامعه بردند. این فعالیت ها سر انجام در سال ۱۹۱۲ در دیوان و دفتر کودکان به مثابه ی یک اطلاعات ائتلافی نتیجه داد و به دفتر ویژه ی رسیدگی به کار کودکان ارجاع یافت. در سال ۱۹۱۳ خانه ی کودکان، به دپارتمان کار منتقل شد.

"اوئیز هاینه" یک معلم و عکاس نیویورکی عقیده داشت که یک عکس می تواند داستان های قوی و بر انگیزنده ای بگوید. او آن چنان به مسأله ی آزاری که به کودکان از طریق کار می رسید حساس بود که کار تدریس را رها کرد و رسماً عکاس کمیته ی ملی کار کودکان شد. هاینه به تمام گوشه کنار های کشور سفر کرد و از وضعیت کودکان کارگر در محیط های مختلف عکس گرفت. از کودکان در معادن ذغال سنگ در خانه هایی که گوشت بسته بندی می کردند. در کارخانه های پارچه بافی، در کنده کاری ها، از کودکان کار در خیابان که کفش و اکس می زدند عکس گرفت، کودکانی که روزنامه می فروختند، فروشندگان جازرن و دوره گرد. به عنوان مثال او برای رفتن به کارخانه ها راه های گوناگونی انتخاب می کرد. چراکه صاحب کارخانه نمی خواست که عکس ها چاپ شوند.

او بسیار به این مسأله توجه داشت که عکس ها واقعی و دارای اطلاعات دقیق باشند. برای به دست آوردن عنوان برای عکس هایش او با کودکان مصاحبه می کرد او بهانه ای برای این کار پیدا می کرد، و بعد با شتاب و عجله و بد خط، یاد داشت هایش را در جیب کتش می نوشت. برای این که او برای عکس گرفتن عذر و بهانه می تراشید و بخشاً این کار را مخفیانه انجام می داد. او آن چیزی شد که می بایست بشود. "اطمینان دویله از این که دانسته ها و اطلاعات عکس های من ۱۰۰ درصد ظاهری و ریاکارانه از هیچ نوعی نباشد."

هاینه یک عکس خوب را باز تولید مهر روبرو، خشک شده و در واقع بازتاب عینی و اقیبیت می خواند. از آن جا که او عکس هایش را سوپژکتو می دانست کارش را به عنوان "عکس های گویا" نام نهاد. او می خواست مردم به چشم خود ببینند که خشونت کار علیه کودکان چگونه است. و به فاجعه ی کار کودک پی ببرند. و آن ها خواهان قوانینی شوند که این رنج را ممنوع کند. در سال ۱۹۱۶ کنگره ی امتیاز اوئن کیتینگ، اوئن کمپین را برای استاندارد های کار کودک تصویب کرد.

الف) حد اقل سن کار ۱۴ سال برای کودکان در کار گاه ها و ۱۶ سال برای کار در معادن.
ب) بیشترین ساعت کار ۸ ساعت.

ج) ممنوعیت کار شبانه برای کارگران زیر ۱۶.

د) یک مدرک و سند گواهی سن برای کودکان.

متأسفانه این قانون بعدها نتوانست بر خلاف قانون اساسی عمل کند و شرایط کار را عوض کند. لغو کار کودکان، باید در انتظار یک معامله ی دیگر می ماند.

اما به هر حال فعالیت های علیه کار کودک تأثیر خودش را بر کار ساعت کار بیشترین ۸ ساعت بگذارد و در سال ۱۹۲۰ تعداد کودکان کارگر به نصف سال ۱۹۱۰ رسیده بود. هاینه در فقر و گمنامی مرد و یادش جز برای عده ی معدودی زنده نماند.

منبع: www.negah1.com

ساعات طولانی کار باعث محروم شدن کودکان از تحصیل و کسب مهارت برای آینده ی بهتر می گردد. این کار در عوض آن ها را محکوم به بی سواد، فقر و تداوم تنگ دستی در آینده می سازد.

حذف لکه‌ی ننگ بردگی انسان

کایلاش ساتیارتی



کایلاش ساتیارتی تاکنون بیش از ده‌هزار زندگی را نجات داده است. در سن ۲۶ سالگی از حرفه‌ی اصلی خود مهندسی الکترونیک کناره‌گیری و زندگی خود را تماماً وقف کمک به میلیون‌ها کودک در هند کرد. کودکانی که به اجبار در بند بردگی تجارت پرزور و فاسد و زمین‌داران درآمده بودند. هدف اصلی وی بسیار پرخطر و دلیرانه بود. بر آن شد تا به سمت کارخانجات حمله برد؛ کارخانجاتی که مکرراً توسط نیروهای مسلح اداره می‌شدند. جایی که کودکان و در اغلب مواقع کل خانواده‌هایشان نیز تحت عنوان کارگران در بند به استثمار گرفته می‌شدند. پس از این آزادسازی موفقیت آمیز و بخشیدن زندگی دوباره به هزاران کودک در بند بردگی کایلاش در صدد آن بر می‌آید تا حرکتی جهانی علیه کار کودک را آغاز نماید. امروز کایلاش رهبری راهپیمایی جهانی علیه کار کودک (Global March Against Child Labor) متشکل از ۲۰۰۰ سازمان و اتحادیه‌ی صنعتی در ۱۴۰ کشور را به عهده دارد. با آن‌که او یک عضو شناخته شده‌ی جهانی است وی هم‌چنان کار پرخطر رهبری هجوم در جهت آزادسازی بردگان را ادامه می‌دهد. وی معتقد است که می‌بایست بر یک سری فعالیت‌ها متمرکز شود - از ریشه‌ای‌ترین تا رویایی‌ترین فعالیت‌ها در این خصوص - تا بتواند فاتح این نبرد شود.

SACCS چه می‌کند؟

از زمان شکل‌گیری SACCS در سال ۱۹۸۹ و شرکت آن تقریباً ۴۰ هزار کارگر را از بند بردگی رها کردند که بسیاری از این کارگران تحت استثمار کامل در صنایع مختلف هم‌چون کارخانجات فرش بودند. اما به عقیده‌ی کایلاش آزادسازی این کودکان آن‌هم بدون هیچ موفقیت جدید کاری بس بیهوده است.

بال آشرام (Bal Ashram) در راجستان (Rajasthan) هند به عنوان یک مرکزگذار در هند است که در آن جابه‌بردگان به تازگی آزاد شده مهارت‌های ابتدایی و اصولی آموزش داده می‌شود. کایلاش درباره‌ی دختری که اخیراً از یک معدن سنگ آزاد شده چنین می‌گوید: "تجربه‌ی بسیار شیرینی است وقتی می‌بینی که چگونه شور و هیجان و احساسات تغییر یافته بر چهره‌ی این دختر زیبا مشهود می‌شود. او همانند کتاب سرگشاده‌ای است و دگرگونی‌های بوجود آمده در او حاکی از حکایت داستانی برای ماست: داستان گذار از بردگی به سوی آزادی برای یک زندگی جدید. هنگامی که چهره‌ی او نورانی می‌شود پرواضح است که او اولین قدم هایش را بسوی آزادی و ایمان به دیگران برداشته است."

از آن جایی که آشرام تنها قادر به تحت پوشش قرار دادن ۱۰۰ کودک است کایلاش برنامه‌ای را تحت عنوان بال میتراگرام "Bal Mitra Gram" برای تشویق روستاهای هندی به منظور منسوخ کردن کار کودک آغاز می‌کند. به منظور قرار گرفتن در بخشی از این برنامه می‌بایست یک مجمع کلی موافقت نماید تا هیچ کودکی مجبور به کارکردن نخواهد شد و هر کودکی می‌بایست به مدرسه فرستاده شود.

تا آن جایی که تبدیل و تغییر روستا به روستا در هند حاضر حرکتی ارزنده و زمان‌بر خواهد بود به انجام رساندن چنین استراتژی قرن‌ها به طول خواهد انجامید تا شاید اندکی به هدف کایلاش نزدیک شود و کایلاش آمادگی صبر کردن برای چنین زمان طولانی را ندارد. به همین خاطر وی شروع به تاخت و تاز برای مبارزه با این مشکل از طریق مطیع‌سازی و تحت کنترل درآوردن قدرت‌های بزرگ و نیرومند می‌نماید.

بسیاری از فرش‌های موجود در آسیای جنوبی از طریق به‌کارگیری کودکان کار تولید می‌گردد. کایلاش معتقد است که اگر مصرف‌کنندگان سراسر دنیا می‌دانستند که فرش‌های گران‌قیمت و پر نقش و نگار هندی چگونه تولید می‌شوند دیگر هرگز به خود اجازه‌اندیشیدن و صحبت کردن از زیبایی این قالیچه‌ها به زبان نمی‌آوردند.

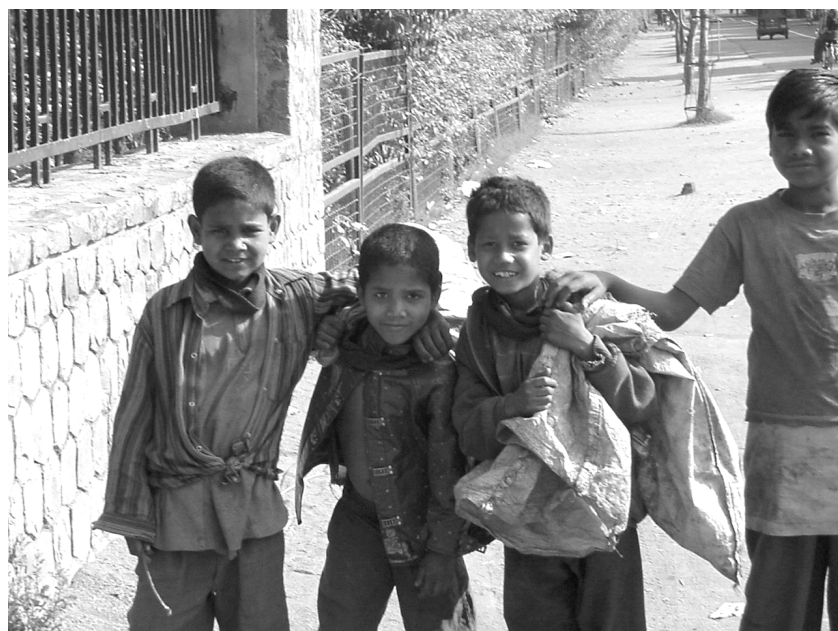
کایلاش برنامه‌ی راگمارک (Rugmark) برنامه‌ای که در آن کلیه‌ی قالیچه‌ها دارای برچسب مخصوص کودک کار آزاد و گواهی‌نامه خواهند بود را با موافقت کارخانجاتی که می‌خواهند کمتر مورد تجسس قرار گیرند را آغاز نمود. کایلاش در نظر دارد تا گسترش این برنامه را نسبت به تولیدات دیگر هم‌چون توپ‌های فوتبال که وضعیت مشابهی هم‌چون تولیدات کارخانجات فرش را دارد به اجرا درآورد.



کایلاش می گوید: "اگر الان این کار انجام نشود پس کی؟ اگر شما نباشید پس چه کسی باشد؟ اگر ما بتوانیم به این سوالات اساسی و مهم پاسخ دهیم آن وقت شاید بتوانیم لکه‌ی ننگ بردگی انسانیت را از میان برداریم."

۷

www.apcl.org.ir
apcl_iran@hotmail.com



از زمان شکل گیری SACCS در سال ۱۹۸۹ SACCS و شرکای آن تقریباً ۴۰ هزار کارگر را از بند بردگی رها کردند که بسیاری از این کارگران تحت استثمار کامل در صنایع مختلف هم چون کارخانجات فرش بودند. اما به عقیده‌ی کایلاش آزادسازی این کودکان آن هم بدون هیچ موقعیت جدید کاری بس بیهوده است.

دولت باید از سازمان‌های غیر دولتی حمایت کند

علی اکبر سبحانی

یک عضو کمیته‌ی ملی سازمان‌های غیر دولتی اعتقاد دارد که مهم‌ترین عامل به وجود آورنده‌ی کودکان کار در کشور، فقر اقتصادی و فرهنگی است.

دکتر پریچهر شاهسون^۱ به مناسبت روز جهانی^۲ "مبارزه علیه کار کودک" گفت: بر طبق قانون کار، افراد زیر ۱۵ سال نمی‌توانند شاغل باشند ولی متأسفانه در بسیاری از موارد شاهد کار کردن کودکان در سنین پایین هستیم و این موضوع دلایل زنجیره‌وار فراوانی را دارد. این جامعه‌شناس ادامه داد: بیکاری، مهاجرت، فقر فرهنگی و بسیاری از مشکلات دیگر را می‌توان نام برد که به صورت زنجیره‌ای دست به دست هم داده‌اند و باعث شده‌اند تا خانواده‌ها به کار کردن کودکان خود رضایت دهند و مشکلات بسیاری را برای کودکان خود و جامعه ایجاد نمایند.

وی افزود: در ایران بسیاری از کودکانی که خانواده‌های آنها از کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند وجود دارند که به کارهای سخت مشغولند و در خیلی از موارد می‌توان حضور آنها را در معابر هم مشاهده نمود که هم‌پای بسیاری از کودکان ایرانی به صورت رسمی کار غیررسمی دارند.

دکتر پریچهر شاهسون هم‌چنین اظهار داشت: این مسأله از فقر ناشی می‌شود و فقر هم از بیکاری به وجود می‌آید، یعنی والدین این کودکان اکثراً بیکار هستند و والدین این کودکان مجبورند به خاطر امرار معاش، فرزندان‌شان را به انجام این کارها مجبور کنند.

وی خاطر نشان کرد: دولت باید مسأله‌ی کودکان کار را جدی بگیرد و شرایطی را بوجد آورد که آموزش تا حداقل سنین ۱۵ سالگی رایگان و اجباری شود و حتی اگر فردی علاقه مند به تحصیل نبود، در شغل مورد علاقه‌ی خود در هر سطحی که باشد آموزش‌های لازم را به صورت رایگان فراگیرد.

این عضو کمیته‌ی سازمان‌های غیر دولتی گفت: ما در هزاره‌ی سوم به سر می‌بریم و باید به سمت شایسته‌سالاری حرکت کنیم و تخصص‌گرایی را اصل قرار دهیم و به یاد داشته باشیم مشاغل سطوح پایین هم به نوبه‌ی خود تخصص هستند و فرهنگ تحقیر مشاغل را از بین ببریم و این یعنی رعایت یکی از اصول مهم فرهنگ کار در جامعه.

وی افزود: متأسفانه در کشورهایی چون ما حقوق زنان و کودکان در مشاغل پایمال می‌شود و شاهد این هستیم که افراد سودجو با پایین‌ترین حقوق زنان و کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند و هر آن‌گاه که اراده کنند آنها را بدون رعایت حقوق ایشان از کار اخراج می‌کنند و این یعنی ظلم به این دو قشر آسیب پذیر اجتماع که تبعات خطرناکی را هم در آینده برای جامعه ایجاد خواهد کرد.

وی خاطر نشان کرد: متأسفانه در سرزمین ما حقوق کودکان شاغل خارجی هم رعایت نمی‌شود و آنها از بسیاری از حقوق اولیه از جمله تحصیل رایگان و در برخی از موارد حتی غیر رایگان محروم هستند.

پریچهر شاهسون در بخش دیگری از سخنان خود گفت: آمارهای ارایه شده در زمینه‌ی کودکان کار چندان دقیق و تفکیک شده به نظر نمی‌رسد و برای مقابله با این معضل اجتماعی، ضرورت ارایه‌ی آماری دقیق و نظام مند حس می‌شود.

وی تصریح کرد: آماری که هم‌اکنون در زمینه‌ی کودکان کار ایرانی، از طرف سازمان بین‌المللی کار تخمین زده شده است، عدد ۳۷۰ هزار را نشان می‌دهد که البته این عدد شامل کودکان خیابانی نمی‌شود.

وی افزود: کودکان کار در تمام دنیا به سه دسته تقسیم می‌شوند، دسته‌ی اول آنهایی را تشکیل می‌دهند که ارتباط‌شان را با خانواده‌ی خود حفظ می‌کنند. دسته‌ی دوم کودکان کاری را شامل می‌شود که یا خانواده‌ای ندارند و یا ارتباطی با خانواده‌ی خود ندارند و دسته‌ی سوم نیز با خانواده‌های‌شان در خیابان زندگی و کار می‌کنند که در ایران نوع سوم پررنگ‌تر بوده و اکثریت با این دسته است.

این جامعه‌شناس افزود: کودکان خیابانی بخشی از کودکان کار هستند که در ایران همان کودکان کار تلقی می‌شوند، چون اکثریت کودکان کار در کشور ما را کودکان خیابانی تشکیل می‌دهند و متأسفانه دولت هنوز ارزیابی خوبی از آنها صورت نداده است، ضرورت دارد با کمک سازمان‌های غیر دولتی فعال در کشور، یک جریان منظم در این زمینه به وجود آید تا قوانینی که در زمینه‌ی کودکان کار در کشور وجود دارد، عملی شده و فقط در حد یک نوشته



یک جامعه‌شناس: دولت باید مسأله‌ی کودکان کار را جدی بگیرد و شرایطی را بوجد آورد که آموزش تا حداقل سنین ۱۵ سالگی رایگان و اجباری شود و حتی اگر فردی علاقه مند به تحصیل نبود در شغل مورد علاقه‌ی خود در هر سطحی که باشد آموزش‌های لازم را به صورت رایگان فراگیرد.

در قانون کار باقی نماند.

این کارشناس آسیب های اجتماعی در پایان خاطر نشان کرد: باید برنامه هایی که دولت در زمینه ی کودکان کار ارایه می کند، کلان و اجتماعی محور باشد و به صورت تقسیم بندی در اجتماعات کوچک انجام شود و مردم هر منطقه نیز در رفع این معضل همکاری کرده و حضوری فعال داشته باشند، زیرا تنها راه ساماندهی کودکان کار همین است.



در ایران بسیاری از کودکانی که خانواده های آنها از کشورهای همسایه مهاجرت کرده اند وجود دارند که به کارهای سخت مشغولند و در خیلی از موارد می توان حضور آنها را در معابر هم مشاهده نمود که هم پای بسیاری از کودکان ایرانی به صورت رسمی کار غیر رسمی دارند.

فلورانس کلی، مدافع کودکان کار

ترجمه از معصومه پیروزبخت

فلورانس کلی زن قهرمانی است که در سراسر عمرش با سرسختی هر چه تمام تر، برای ایجاد محیط کار مناسب، حذف نابرابری و بی عدالتی تلاش فراوان نمود. او زنی بود که الهام بخش کسانی شد که خواهان کمک به دیگران بودند. فلورانس کلی، دختر ویلیام کلی نماینده ی کنگره ی آمریکا، در ۱۲ سپتامبر سال ۱۸۵۹ متولد شد. در کودکی، یک بار که پدرش قصد بازدید شبانه از کارخانه ها را داشت، او را با خود برد. فلورانس پسران نوجوانی را دید که در کارخانه های تولید فلز و شیشه کار می کنند. شرایط سخت و خطرناک محیط کار این کودکان و کارهای دشواری که مجبور به انجام آن بودند، برای او تکان دهنده و غیر قابل تحمل بود. فلورانس کلی تحصیلات خود را در دانشگاه کرنل و زوریخ به پایان رساند. کلی با یادآوری آن چه در کودکی مشاهده کرده بود، تصمیم به ترجمه ی کتاب شرایط کاری کارگران انگلیس نمود که این کتاب در سال ۱۸۸۷ در آمریکا منتشر شد. پس از چندی کلی به شهر نیویورک رفت و در آن جا با یک پزشک روسی لهستانی ازدواج کرد. این ازدواج موفقیت آمیز نبود، به همین دلیل در سال ۱۸۹۱ وی به همراه سه فرزندش نیویورک را ترک و به شیکاگو نقل مکان نمود. در این شهر وی با عده ای از سوسیالیست های اصلاح طلب آشنا شد و به اعضای خانه ی هال پیوست. جان پیتز آلت گلد یکی از بی شمار بازدیدکنندگان خانه ی هال بود. در سال ۱۸۹۲، زمانی که او برای تصدی پست فرمانداری ایلینویز انتخاب شد، کلی را به عنوان اولین سربازرس کارخانجات انتخاب نمود. کلی نیز یک گروه دوازده نفری را برای این کار استخدام نمود. در سال ۱۸۹۴ کلی به همراه آلت گلد موفق شدند که هیأت قانون گذاری ایالت را وادار کنند که قانونی برای کنترل کار کودکان وضع نمایند. بر اساس این قانون، کارخانجات حق نداشتند کودکان زیر ۱۴ سال را استخدام کنند و طی این قانون، ساعت کار زنان و کودکان به ۸ ساعت در روز تقلیل پیدا کرد. این قانون به مدت کوتاهی اجرا شد و در سال ۱۸۹۵ انجمن کارخانجات ایلینویز این قانون را لغو کردند. در سال ۱۸۹۹ کلی گروهی را دیکال به نام اتحادیه ی ملی مصرف کنندگان National Consumer League (NCL)، تشکیل شد که یکی از اهداف عمده ی این گروه تعیین حداقل حقوق برای کارگران و محدودیت ساعت کار برای زنان و کودکان بود. کلی در شکل گرفتن این اتحادیه تلاش فراوانی نمود و به عنوان اولین رییس این جمعیت، به سراسر کشور سفر کرد و درباره ی شرایط کاری کارگران در ایالات متحده ی آمریکا سخنرانی های بی شماری نمود. یکی از مهم ترین کارهایی که کلی انجام داد، معرفی برچسب سفیر گروه NCL بود. استفاده از این برچسب بیان گر این بود که این لباس ها توسط کودکان کارگر دوخته نشده اند و تنها کارفرمایانی حق استفاده از این برچسب را داشتند که اصول NCL را رعایت می کردند. سپس اتحادیه ی ملی مصرف کنندگان از مردم خواست که از خرید و استفاده از کالاهایی که این برچسب را نداشتند خودداری کنند به عبارتی خرید این کالاها را تحریم کنند.

در سپتامبر سال ۱۹۰۵ کلی با پیوستن به اپترل سیتکلر و جک لندن، گروه سوسیالیست های دانشگاه های آمریکا را تشکیل دادند. طی سال های بعدی او سخنگوی دانشگاه های آمریکایی بود و یکی از دانشجویانی که او آموزش داد، فرانسس پرکینز بود که بعدها به عنوان اولین زن وزیر کابینه انتخاب شد. او کسی بود که در آمریکا مسأله ی کار کودکان را خاتمه بخشید.

کلی یکی از حامیان اصلی اعطای حق رأی به زنان و طرفدار حقوق انسانی زنان آفریقایی - آمریکایی بود. در سال ۱۹۰۹ او کمک کرد تا انجمن ملی پیشرفت رنگین پوستان National Association For Advancement of colour People تشکیل گردد. او از جمله افرادی بود که با دخالت آمریکا در جنگ جهانی اول مخالفت نمود.

او یکی از اعضای حزب صلح زنان (Women Peace Party) و اتحادیه ی بین المللی صلح و آزادی زنان (Womens international League for Peace Freedom) بود. او در ۱۷ فوریه ی سال ۱۹۳۲ در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

منبع: روزنامه ی ایران - سال یازدهم - شماره ی ۳۳۶۶

فلورانس کلی زن قهرمانی است که در سراسر عمرش با سرسختی هر چه تمام تر، برای ایجاد محیط کار مناسب، حذف نابرابری و بی عدالتی تلاش فراوان نمود. او زنی بود که الهام بخش کسانی شد که خواهان کمک به دیگران بودند.



انجمن حمایت از کودکان کار
ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک

ما کودکان حق داریم که مسوولان به فکر ما باشند

مراسم روز جهانی مبارزه علیه کار کودک (۱۲ ژوئن برابر با ۲۲ خرداد ماه) امسال در محل انجمن و با حضور صمیمی و پر شور کودکان کار انجمن برگزار شد. به همین مناسبت یک روز قبل در روز یکشنبه ۲۱ خرداد ماه (یازدهم ژوئن) دو گروه نه و ده نفره از کودکان کار به همراه چند تن از اعضای انجمن در دیدارهای جداگانه ای با مسوول طرح آموزش برای همه (EFA) و "تخاری" رایزن فرهنگی سفارت افغانستان به طرح مسایل و مشکلات خود پرداختند.

در دیدار با مسوول طرح آموزش برای همه (EFA) و معاونان و کارشناسان طرح مذکور که با حضور ۹ تن از کودکان کار و مدیرعامل، یک تن از اعضای هیأت مدیره و مسوول مددکاری انجمن در ساختمان زنده یاد مهندس علاقه مندان وزارت آموزش و پرورش با استقبال صمیمانه ای متولیان طرح برگزار شد. کودکان کار بر طرح مسایل، مشکلات و چگونگی بازماندن از چرخه ای آموزش رسمی و یا اخراج خود از مدرسه پرداختند و نمایندگان انجمن نیز با استناد به مشکلاتی که بچه ها مطرح نمودند و مشکلات دیگر کودکان کار خواستار بهره گیری وزارت آموزش و پرورش از مشارکت و حضور سازمان های غیردولتی فعال در زمینه ای حمایت از کودکان کار و خیابان در تمامی مراحل بررسی، تصمیم گیری و اجرای طرح آموزش برای همه به منظور ثمربخشی و نتیجه گیری هر چه بهتر از این طرح شدند. مسوولان طرح نیز با اشاره به حضور گرم و تأثیرگذار کودکان کار در این جلسه آن را یکی از بهترین جلسات خود بر شمرده و قول دادند در اسرع وقت جلسه ای را به منظور بررسی راهکارها، پیشنهادات و نحوه ای همکاری های متقابل با انجمن حمایت از کودکان کار و دیگر تشکل هایی که مایلند در این زمینه فعالیت کنند برگزار و این جلسات تا رسیدن به نتایج مطلوب ادامه یابد.

هم چنین دیدار دیگری که با حضور ده تن از کودکان کار افغان به همراه مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره ای انجمن با جناب آقای "تخاری" رایزن فرهنگی سفارت افغانستان در محل سفارت خانه ای مذکور برگزار شد.

در این دیدار کودکان کار افغانی به طرح مسایل و مشکلات ناشی از کار و محرومیت از تحصیل در ایران پرداخته و با اشاره به این که اخبار و نامه های رسیده از افغانستان حاکی از این امر است که کودکان بازگشته به افغانستان شرایط مناسبی از نظر آموزشی، بهداشتی و غیره ندارند و در شرایطی به مراتب بدتر از کار در ایران به سر می برند و این مسایل کودکان افغانستان را در شرایط بغرنجی قرار داده که ناچارند یا کار، رنج، فقر، محرومیت از تحصیل در ایران را تحمل نمایند و یا همه ای این ها به اضافه ای گرسنگی و ناامنی را در افغانستان. در این دیدار کودک کاری از رایزن فرهنگی افغانستان سؤال کرد که آیا دو دولت ایران و افغانستان قصد ندارند به ما بیاندیشند و این شرایط را تغییر دهند در حالی که ما آرزو داریم با سواد شویم و بتوانیم کشورمان را دوباره بسازیم؟

"تخاری" در پاسخ با اشاره به مشکلات عدیده ای که در افغانستان وجود دارد و با اشاره به این که طی سالیان طولانی جنگ تمامی ظرفیت ها و امکانات اجتماعی در افغانستان نابود شده بچه ها را به صبر و خویشتن داری دعوت کرد و قول داد به زودی امکان برگزاری جلسه ای مشترک برخی از کودکان کار افغانی را با سفیر افغانستان در ایران فراهم کند بلکه با پیگیری ها و رایزنی های آقای سفیر بتوانند اوضاع را به نفع بچه ها سامان بخشند. در پایان بچه ها با تشکر از آقای "تخاری" از برگزاری این جلسه از وی دعوت کردند به منظور پیگیری مسایل مطرح شده هر از گاهی جلساتی داشته باشند.

شایان ذکر است در پایان هر دو جلسه بیانیه ای کودکان کار عضو انجمن که خود به مناسبت ۱۲ ژوئن - روز جهانی مبارزه علیه کار کودک تنظیم کرده بودند توسط یکی از کودکان حاضر در جلسات خوانده شد و روزی را آرزو کردند که هیچ کودکی مجبور به کار کردن نباشد.



کودک کاری از رایزن فرهنگی افغانستان سؤال کرد که آیا دو دولت ایران و افغانستان قصد ندارند به ما بیاندیشند و این شرایط را تغییر دهند در حالی که ما آرزو داریم با سواد شویم و بتوانیم کشورمان را دوباره بسازیم؟

"تخاری" در پاسخ با اشاره به مشکلات عدیده ای که در افغانستان وجود دارد و با اشاره به این که طی سالیان طولانی جنگ تمامی ظرفیت ها و امکانات اجتماعی در افغانستان نابود شده بچه ها را به صبر و خویشتن داری دعوت کرد

آنها حق دارند که کودک باشند

کیتا صالحی

کم کم هوا گرم می شود و تابستان از راه می رسد. برای تابستان بچه ها چه برنامه ای در نظر دارید؟ به هر حال باید آنها را برای کلاس های تابستانی ثبت نام کنید. کلاس شنا، زبان، نقاشی سفالگری و...

گاهی هم یک سفر برایشان بد نیست. با ماشین و در یکی از هتل های شهرهای خودمان یا یکی از هتل های اروپا. یا یک سفر دو روزه شمال. بالاخره مامان و بابا کارمند هستند. نمی شود انتظار داشت. حالا ماشین شخصی هم نشد، با سواری هم می شود. بالاخره می گذرد. تابستان با تمام گرما و وقت های زیاد و وقت گذرانی ها و هزاران برنامه ی تفریحی و خوشگذرانی و خوشگذرانی و خوشگذرانی.

تهران هم دیگر خیلی شلوغ شده. دیگر حتی رغبت نمی کنیم در خیابان هایش راه برویم. اتوبوس؟ اصلاً آسمش را نبر! توی این گرما، فشار آدم ها... مگر می شود تحمل کرد؟ تاکسی یا ماشین شخصی. از خانه به محل کار و از محل کار به خانه.

در خانه های مان مبل های نرم و فرش های دستبافت ایرانی انتظارمان را می کشند. زیر باد کولر، روی مبل لم می دهیم و احساس خستگی می کنیم. از این که مجبوریم بچه ها را از کلاس شنا به زبان و از آن جا به کلاس نقاشی و... برسانیم.

در همین روزهایی که در این خیابان ها، پشت فرمان ماشین نشسته ایم و موسیقی دلخواه مان را گوش می دهیم و از ترافیک و چراغ قرمز گلابه می کنیم، کمی به اطراف مان نگاه کنیم. فقط کافیس کمی سرمان را بچرخانیم به سمت پنجره ی خودمان، آن وقت پسرکی با دسته ای گل می بینیم که به شیشه ی پنجره چسبیده. اما این بار مثل همیشه سرمان را برنگردانیم و انگار نه انگار که او را دیده ایم. این بار سعی نکنیم که ماشین را به جلو برانیم تا او دست بردارد.

این بار سعی نکنیم با بلند کردن صدای موسیقی، صدای درون مان را خفه کنیم که می پرسد چرا؟ این منظره ایست که بارها و بارها در خیابان ها، سر چهارراه ها، در سرمای زمستان و گرمای تابستان دیده ایم. فرقی نمی کند کجای این شهر بزرگ یا حتی کجای این کشور پهناور زندگی می کنیم، آنها وجود دارند. کودکانی که کار می کنند. کودکانی که از بد روزگار در خانواده ای زندگی می کنند که به دست های کوچک آنها برای زنده بودن امید بسته اند. آیا گاهی به آنها فکر کرده ای؟ یا فقط از کنارشان گذشته ای؟

از کدام محله، کدام خیابان، کدام شهر، از کدام نقطه روی کره ی زمین به اینجا رسیده اند؟ بسیاری از این کودکان از بد روزگار به خاطر مهاجرت ناخواسته و تحمیل شده علاوه بر مشکلات غربت و فقر با مشکلات ساده اما اساسی دست به یقه هستند. مثلاً کودکانی که متعلق به همین کشور پهناور همسایه هستند. افغانستان.

کودکانی که سال هاست مهمان کشور ما هستند اما چگونه؟ بدون شناسنامه، بدون اعتبار، بدون آموزش، بدون پول.

آنها مهمان ما هستند اما هر روز قوانینی وضع می شود که آنها مجبور به ترک ایران شوند و به کشور خود بازگردند. مجوز اقامت آنها تمدید نمی شود، مدارس خودگردانشان فاقد مجوز قانونی است، از مدارس ایرانی اخراج می شوند، در مدارسی که اجازه ی تحصیل دارند باید شهریه های سنگین پرداخت کنند و کلام آخر را از وزارت آموزش و پرورش و اداره ی امور اتباع خارجه بشنوید: اتباع خارجی فاقد مجوز اقامت معتبر، اجازه ی برخورداری از حقوق یکسان مثل دیگران را ندارند. این وضعیت شامل آموزش و پرورش کودکان اتباع افغان هم می شود. این خانواده ها برای تحصیل به ایران نیامده اند که بخاطر نبود آن به کشور خود باز گردند. مشکلات آنها اساسی تر است.

اما داستان به این جا ختم نمی شود، می گوئیم آنها باید به کشور خود بازگردند، پس چرا کودکانی زاده ی خاک ایران هستند و در خیابان ها کار می کنند، به خاطر سر و وضع نامناسب از مدرسه اخراج می شوند؟

کودکانی که از مدرسه اخراج شدند. آنها از که بیاموزند راه و رسم زندگی را؟ از که بیاموزند که درس و مدرسه یعنی چه؟

در حالی که بچه های ما در بهترین مدارس و با بهترین امکانات به درس خواندن مشغول هستند این کودکان در پارک ها، خیابان ها و کارگاه ها جان می کنند تا زنده باشند. تا بگویند که زنده اند و می خواهند زندگی کنند. می خواهند بگویند که وجود دارند. اما هیچ کس قبول شان ندارد. بچه های ما از طفولیت در خانواده ای زندگی کرده اند که حداقل ابزار رفاه و حق آموزش و



تجربن حمایت از کودکان کار
ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه با کودکان کار

کودکانی که جز با فحش و کتک بلد نبودند حق خود را بگیرند، امروز احترام گذاشتن را به دیگران می آموزند. کودکانی که در مورد خود و آینده شان هیچ تصویری نداشتند، امروز می خواهند معلم پزشکی، مهندس و مددکار شوند. این کودکان زنده اند و وجود دارند. دیگر کسی نمی تواند وجود سازنده ی آنها را نادیده بگیرد.

تحصیل در اختیارشان بوده است. از اسباب بازی گرفته تا مداد رنگی و دفتر نقاشی و نوار قصه. اما کودکان کار از طفولیت کتک، فحش، ترس، اضطراب، خشونت، اعتیاد و آزارهای جنسی اسباب آموزش شان بوده است.

همه‌ی کودکان خلاقند در صورتی که محیط لازم برای آنها وجود داشته باشد. همه‌ی کودکان فکری کنند، تخیل می‌کنند، با موجودات حرف می‌زنند و بازی می‌کنند. اما وقتی مجبور باشند که فقط کار کنند، وقتی از همان کودکی با مفهوم فقر آشنا و دست و پنجه نرم می‌کنند، وقتی از همان کودکی اعتیاد دامان آنها را نیز آلوده می‌کند دیگر چه جایی برای خلاقیت می‌ماند؟ این کودکان کجا می‌توانند حرف بزنند؟ نقاشی کنند؟ بازی کنند؟

اما در این روزگار پر از تباهی و سیاهی، در این روزگار بی‌کسی و بی‌مهری در خبرهای خوانیم:

● نمایشگاه نقاشی کودکان کار در نگارستان شاهد تهران در اردیبهشت ۸۲

● برپایی کارناوال موسیقی کودکان کار و خیابان هم‌زمان با روز جهانی کودک در مرکز

آفرینش‌های هنری در مهر ماه ۸۲

● برگزاری جشن اول مهر به مناسبت آغاز سال تحصیلی در مهر ماه ۸۳

● بچه‌های کار و خیابان شوش برندگان قرعه‌کشی فروشگاه کتاب پکا در مهر ماه ۸۳

● دو کودک کار عنوان نفرات سوم جشنواره‌ی عکس کودک و نوجوان تهران در آذرماه ۸۳ را به خود اختصاص دادند.

● برای اولین بار در ایران، تجمع کودکان کار و خیابان در پارک لاله به مناسبت روز جهانی

مبارزه علیه کار کودک، توسط انجمن حمایت از کودکان کار در خردادماه ۱۳۸۳.

این کودکان از نهایت بی‌توجهی و بی‌کسی چگونه به این جا رسیده‌اند؟ چگونه وجود خود را ابراز کرده‌اند؟ حالا دیگر کسی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. آنها دیگر به هیچ وجه معضل اجتماعی نیستند. آنها نشان دادند که می‌توانند، که اگر محیط برایشان فراهم باشد آنها نیز با بچه‌های ماهیچ تفاوتی ندارند.

و این واقعیت را بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از جمله انجمن حمایت از کودکان کار و بسیاری سازمان‌های دیگر پذیرفته و درک کرده‌اند و با در اختیار گذاشتن فضای مناسب آموزشی و تفریحی برای این کودکان به آنها فرصت ابراز وجود داده‌اند. به آنها انگیزه‌ی زندگی و درس خواندن داده‌اند. اعتماد به نفس و حق نفس کشیدن.

سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی کاملاً مردمی هستند که از دل جامعه و از میان مردم و به صورت خود جوش شکل می‌گیرند. این سازمان‌ها که مجوز خود را از وزارت کشور می‌گیرند، توسط افراد داوطلب تشکیل و اداره می‌شوند و مهم‌ترین منبع مالی آنها از کمک‌های مردمی است.

بسیاری از کودکان کار تا قبل از ورود به انجمن حمایت از کودکان کار بی‌سواد بودند. آنها فکر می‌کردند که قرار است در آینده مثل پدر یا مادر خود یک کارگر ساده و بی‌سواد باشند.

اما در این چند سالی که وارد انجمن شده‌اند، استعدادهای شان شکوفا شده است. آنها با حضور در کلاس‌های درسی و غیردرسی، نمایش، موسیقی، نمایش خلاق و عکاسی و ... نشان دادند که تنها نیاز به حمایت دارند و یاد گرفته‌اند که نظرات یکدیگر را بپذیرند و در کارهای گروهی شرکت کنند.

بسیاری از کودکان کار تا قبل از ورود به انجمن حمایت از کودکان کار بی‌سواد بودند. آنها فکر می‌کردند که قرار است در آینده مثل پدر یا مادر خود یک کارگر ساده و بی‌سواد باشند. اما در این چند سالی که وارد انجمن شده‌اند، استعدادهای شان شکوفا شده است. آنها با حضور در کلاس‌های درسی و غیردرسی از جمله نقاشی، نمایش خلاق و عکاسی و ... نشان دادند که تنها نیاز به حمایت دارند و یاد گرفته‌اند که نظرات یکدیگر را بپذیرند و در کارهای گروهی شرکت کنند.



آنها عضو کتابخانه ی انجمن هستند

چه کسی می تواند تصور کند این کودکانی روزها در خیابان ها گل می فروشند، واکس می زنند دخترکانی که قالبیافی می کنند یا قند می شکنند و یا گل می سازند، پسر بچه هایی که در کوره پزخانه ها یا در کارگاه ها کار می کنند و یا بار می کشند از کتابخانه کتاب امانت می گیرند؟ و یا در کارهای گروهی و در ساختن کار دستي و برگزاری جشن ها شرکت می کنند؟ در یکی از کلاس ها بچه ها با مشارکت هم تصمیم گرفتند که به خانه های محله ی خودشان در خیابان مولوی، آموزش دهند که زباله های تر و خشک را جدا کنند. اول برای شان خیلی سخت بود اما بعد از چند بار تکرار این کار، اعتماد به نفس پیدا کردند و با این که بعضی از همسایگان بالحن نامناسب با آنها برخورد کردند اما بچه ها خواسته بودند با آنها با احترام برخورد شود و این کار را ادامه دادند.

چه اتفاقی افتاده است؟

کودکانی که جز با فحش و کتک بلد نبودند حق خود را بگیرند، امروز احترام گذاشتن را به دیگران می آموزند. کودکانی که در مورد خود و آینده شان هیچ تصویری نداشتند، امروز می خواهند معلم، پزشک، مهندس و مددکار شوند.

این کودکان زنده اند و وجود دارند. دیگر کسی نمی تواند وجود سازنده ی آنها را نادیده بگیرد. آنها مثل تمام کودکان دنیا حق دارند که از آموزش برخوردار باشند. حق دارند که به کودکی شان بها داده شود. حق دارند که کودک باشند.

آنها در درجه ی اول انسان هستند و ساکن کره ی زمین.

تاکی می خواهیم وجودشان را نادیده بگیریم؟ تاکی می خواهیم به بهانه های واهی آنها را از حق مسلم آموزش محروم کنیم؟

از این به بعد، وقتی پشت فرمان ماشین در انتظار سبز شدن چراغ قرمز هستیم و کودکی را دیدیم که با دسته ای گل به شیشه ی پنجره ی ماشین مان چسبیده، به یاد بیاوریم که او هم مثل فرزندان ما زنده است و می تواند درس بخواند، فلوت بنوازد، نقاشی بکشد اما باید کار هم بکند. یادمان باشد که ما هم می توانیم در بهتر شدن آینده ی این کودکان سهیم باشیم.



از این به بعد، وقتی پشت فرمان
ماشین در انتظار سبز شدن چراغ
قرمز هستیم و کودکی را دیدیم که
با دسته ای گل به شیشه ی
پنجره ماشین مان چسبیده، به یاد
بیاوریم که او هم مثل فرزندان ما
زنده است و می تواند درس
بخواند، فلوت بنوازد، نقاشی
بکشد اما باید کار هم بکند.
یادمان باشد که ما هم می توانیم در
بتر شدن آینده ی این کودکان
سهیم باشیم.



کودکان کارگر در افغانستان به حاشیه رفته اند!

شهرزاد اکبر - کابل

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با انتشار یک گزارش ویژه در مورد کودکان کارگر خواستار توجه جدی و اقدامات مشخص دولت و جامعه مدنی در زمینه‌ی بهبود وضعیت این کودکان شده است.

مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گویند در تهیه‌ی این گزارش با بیش از هجده هزار کودک و نوجوان در سنین ۶ تا ۱۸ سال گفتگو شده است.

بر اساس آمار ارایه شده در این گزارش ۶۵ درصد، کودکان کارگر در افغانستان از دسترسی به آموزش‌های ابتدایی محروم هستند.

تهیه‌کنندگان این گزارش می‌گویند ممکن نیست آمار دقیقی را در مورد کودکان کارگر در افغانستان اعلام کنند، چون به گفته‌ی آنها، تعداد این کودکان رو به افزایش است.

بر اساس تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر ۴۱، در صد کودکان افغان در هر شب و روز ۶ تا ۹ ساعت کار می‌کنند.

این گزارش می‌گوید بیش از ۷ در صد کودکان افغان مشغول قالی بافی هستند که از جمله کارهای شاقه به شمار می‌رود و روی سلامت آنها اثرات منفی بر جا می‌گذارد.

مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گویند افغانستان به قوانین مشخص تر در مورد کودکان کارگر و اعاده‌ی حقوق آنها نیاز دارد.

اقتصاد ضعیف

"هنگامه انوری" مسوول بخش کودکان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید دولت توجه لازم به کودکان کارگر ندارد.

او تأکید کرد که این کمیسیون پیشنهادات مشخصی را برای بهبود وضعیت کودکان کارگر در چهارچوب این گزارش ارایه کرده است.

در گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که ۹۶ درصد کودکان افغان دلیل اشتغال به کارهای شاقه را مشکلات اقتصادی عنوان کرده‌اند.

گزارش هشدار می‌دهد که کار کودکان اثرات ناگواری بر آنها دارد و به گسترش اعتیاد به مواد مخدر، افزایش موارد سوءاستفاده از کودکان و ایجاد مشکلات بهداشتی و روانی منجر می‌شود.

کودکان در مناطق مرزی

"جاندا اسپین غر"، یک مسوول منطقه‌ای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایت شرقی ننگرهار می‌گوید که وضعیت کودکان کارگر در مناطق مرزی افغانستان، نگرانی بیشتر فعالان حقوق کودک را برانگیخته است.

او می‌گوید هم اکنون بیش از ۸۰۰ کودک تنها در منطقه تورخم، در مرز میان افغانستان و پاکستان مشغول "کارهای شاقه" هستند.

آقای اسپین غر گفت که بیشتر این کودکان به منظور تأمین نیازمندی اقتصادی خانواده‌هایشان به اجرای کارهای شاقه از جمله حمل محموله‌های مسافران در فاصله‌های طولانی راه، تن می‌دهند.

در این حال هنگامه انوری، مسوول بخش کودکان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که کودکان کارگر در مناطق مرزی، نسبت به سایر کودکان در داخل شهرها، بیشتر با تهدید اختطاف و انتقال آنان به مناطق مرزی در کشورهای همسایه مواجه هستند.

خانم انوری می‌گوید که بسیاری از این کودکان به منظور قاچاق مواد مخدر از یک سو به سوی دیگر مرز نیز مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

او در این حال تأکید کرد که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در همکاری با صندوق جهانی حمایت از کودکان (یونیسف) در نظر دارند مرکزی را به منظور نظارت بر کودکان کارگر در منطقه‌ی مرزی تورخم ایجاد کند.

این مسوول کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ابراز امیدواری کرد که ایجاد چنین مرکزی بتواند تا حد زیادی از قاچاق کودکان و بهره‌برداری‌های غیرقانونی از آنان مفید باشد.

منبع: BBC

هنگامه انوری مسوول بخش کودکان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید دولت توجه لازم به کودکان کارگر ندارد.

او تأکید کرد که این کمیسیون پیشنهادات مشخصی را برای بهبود وضعیت کودکان کارگر در چهارچوب این گزارش ارایه کرده است.

در گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که ۹۶ درصد کودکان افغان دلیل اشتغال به کارهای شاقه را مشکلات اقتصادی عنوان کرده‌اند.

گزارش هشدار می‌دهد که کار کودکان اثرات ناگواری بر آنها دارد و به گسترش اعتیاد به مواد مخدر، افزایش موارد سوءاستفاده از کودکان و ایجاد مشکلات بهداشتی و روانی منجر می‌شود.

لحظه‌هایی از دنیای کودکان کار (کلاس خبرنگاری)

بچه‌های کلاس خبرنگاری

یکی از مشکلات اصلی که امروزه بشر با آن روبرو می‌باشد همین آلودگی هوا است که باید کشورهایمان که خواهان حقوق بشر هستند فکری به حال کارخانه‌هایشان که تولید گاز رادیو اکتیو می‌کند، بکنند.

نوشته‌هایی که در سطرهای پایین می‌خوانید نمونه‌هایی از فعالیت کودکان کار در کلاس خبرنگاری انجمن حمایت از کودکان کار است. در روزهای ابتدایی این کلاس بچه‌ها هیچ گونه ارتباطی بین خود با نوشتن نمی‌دیدند، نگاه‌هایشان علامت سؤال بود و سکوت مداوم‌شان آزار دهنده. این سکوت چند ماه ادامه داشت تا بالاخره بچه‌ها باور کردند که دست‌هایشان به همراه قلم و کاغذ، دنیای امنی را می‌سازد که در هیچ جای جهان پیدا شدنی نیست.

بچه‌ها از سؤالاتی که شب‌ها هنگام خواب ذهن‌شان را پر می‌کرد شروع کردند تا زمان گذشت. از دغدغه‌ها، دیده‌ها، شنیده‌ها، محله‌ی‌شان، دنیای‌شان، فعالیت‌های دوستان‌شان و... نوشتن آنها به گونه‌ای بود که دیگر سکوت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم با تمام مختصاتش برای‌مان آزار دهنده شد. ما تصمیم گرفتیم با دنیای خودمان روبروئی دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم بایستیم و با شما به سخن بنشینیم. نوشته‌های زیر گوشه‌ای از سخنان دنیای ماست.

آلودگی هوا

یکی از معضله‌هایی که مرا خیلی ناراحت می‌کند، آلودگی هوا است خیلی از مردم به آلودگی هوا توجه خاصی ندارند و با کشیدن سیگار، درست کردن کارخانه‌های بزرگ، دود ماشین‌ها و... باعث آلودگی هوا می‌شوند. یک روز داشتم خبر علمی - فرهنگی و هنری را از تلویزیون تماشا می‌کردم که یک دانشمند ایرانی گفت: "لایه‌ی ازن نازک شده است و اگر تا ۱۰ سال آینده آلودگی هوا کم نشود لایه‌ی ازن پاره می‌شود."

یکی از مشکلات اصلی که امروزه بشر با آن روبرو می‌باشد همین آلودگی هوا است که باید کشورهایمان که خواهان حقوق بشر هستند فکری به حال کارخانه‌هایشان که تولید گاز رادیو اکتیو می‌کند، بکنند. مثل این که امروزه پیشنهاد مسوولان دولت ایران آن است که ماشین‌هایی که در سطح شهرهای بزرگ عبور و مرور می‌کنند، مثل شهر تهران از گازوییل و بنزین به گاز تبدیل شوند. ایجاد آلودگی هوا کمتر می‌شود. کشورهایمانند آمریکا و روسیه که در مجموع کشورهای پیشرفته قرار دارند باید جلوی آلودگی هوا را بگیرند و در غیر این صورت ممکن است در آینده‌ای نزدیک لایه‌ی ازن از بین رفته و تابش نور خورشید مستقیماً به زمین بتابد و زندگی بشر را در روی کره‌ی خاکی ناممکن بسازد.

فروزان پروانی - ۱۶ ساله

عضو کلاس خبرنگاری انجمن حمایت از کودکان کار

اعتیاد

شاید هر روز کلمه‌ی اعتیاد را که امروزه نامش در تمام جهان یاد می‌شود را شنیده بشنوید. من از این که خیلی از مردم جهان به سوی اعتیاد کشیده می‌شوند خیلی متعجبم و همیشه چراهایی در ذهنم است. با خودم می‌گویم: امروز همه‌ی مردم جهان باسواد هستند و خیلی خوب هم می‌دانند که داشتن اعتیاد خیلی بد است و وقتی که به چیزی اعتیاد پیدا می‌کنند، هم به خودشان و هم به خانواده و اطرافیان‌شان صدمه می‌زنند. شاید اگر از خودشان سؤال کنیم که چرا به طرف اعتیاد کشیده شده‌اید و مقصر کیست؟ بگویند به خاطر مشکلات زیاد زندگی. مقصر جامعه است چون جامعه‌ای که مادر آن زندگی می‌کنیم فساد و هر کار زشتی که به نظر انسان می‌رسد در آن وجود دارد. با تمام این‌ها من تا حالا جواب سؤالم که در اول نوشته‌ام بیان کرده‌ام را نگرفته‌ام و امیدوارم که روزی جواب سؤالم را بگیرم.

نادیا پروانی - ۱۵ ساله

عضو کلاس خبرنگاری انجمن حمایت از کودکان کار

سواد

خداوند مهربان در وجود هر انسانی خیلی چیزها و توانایی‌ها قرار داده است، که ما از آن‌ها استفاده می‌کنیم. همین طور بعضی از آنها اگر نبود ما زنده نبودیم مانند قلب. قلب اگر نبود ما زنده نبودیم. اما خوشبختانه خدای مهربان به ما همه چیز داده است که ما از آنها استفاده کنیم مانند چشم، گوش، دماغ، دست، پا، توانایی حرکت کردن، فکر کردن و همین طور هزاران هزار تاسلول که در بدن ما وجود دارد. فقط یک چیز به ما نداده است که آن هم سواد است که اگر

اگر از خودشان سؤال کنیم که چرا به طرف اعتیاد کشیده شده‌اید و مقصر کیست؟ بگویند به خاطر مشکلات زیاد زندگی. مقصر جامعه است



کسی سعی و تلاش کند با کمک خود و خدای مهربان می تواند آن را هم به دست بیاورد. ولی ما انسان ها از بعضی از آنها خوب استفاده می کنیم و از بعضی از آن ها هم خوب استفاده نمی کنیم. مثل این چیزهایی که در وجود ما است. چشم برای دیدن چیزها، گوش برای شنیدن، دماغ برای تشخیص دادن بعضی از نعمت هایش که از نظر رنگ بد هستند ولی از بو و خوشمزه بودن خوب هستند استفاده می کنیم، دست که ما با آن خیلی کارها انجام می دهیم مثل نوشتن اگر دست به ما نمی داد نمی توانستیم بنویسیم و به همین دلیل خیلی از کارهای دیگر را نمی توانستیم انجام دهیم، پا اگر نمی داد نمی توانستیم ایستاده شویم یا راه برویم یا اگر قدرت حرکت کردن به ما نمی داد نمی توانستیم از جایی به جایی دیگر برویم و کارها را انجام دهیم. از همه مهم تر اگر قدرت فکر کردن نمی داد نمی توانستیم این همه چیزی که امروزه روی این کره ی خاکی است به وجود بیاوریم و زندگی ما هم این قدر که امروز آسوده هستیم باشیم. مثل مسافرت کردن با هواپیما که یک روز می توانیم خیلی جاها را ببینیم و دوباره به خانه ی خود برگردیم از همه چیز مهم تر این که خدای مهربان به ما قدرت درس خواندن و فکر کردن داده است که ما می توانیم با این دو همه ی جهان را تکان دهیم. ما باید خودمان سعی و تلاش کنیم تا از آن چه خداوند در وجود ما هست کرده است درست استفاده کنیم و از آنها بهترین سود را در این جهان و جهان آخرت ببریم. درست است که خداوند این همه قدرت را به انسان ها داده است، اما به نظر من انسان ها سه تا چشم دارند دو تا چشم خداوند به انسان ها داده است که همه چیز و همه جا را ببینند و چشم سوم انسان ها علم است که با کمک خود و خدای مهربان به دست می آید. درست است که با دو چشم خود همه چیز و همه جا را می بینیم و خوب را از بد تشخیص می دهیم. اما بعضی از کارها است که نمی شود با این دو چشم انجام داد. فقط می توانند نگاه کنند و مثل یک انسان بی سواد که کور است می ماند. مخصوصاً در سال های آینده که خیلی زندگی برای کسانی که سواد ندارند مشکل می شود. ولی اگر آدم با سعی و تلاش خود علم بیشتری را کسب کند و بتواند همه ی سؤال های انسان ها پاسخ گو باشد و از این علم که دارد خوب استفاده کند، حتی اگر کور هم باشد و از این چیزی که دارد خوب استفاده کند به آدم نمی گویند کور است. بلکه می گویند این فرد عاقل و دانایی است. به نظر من هیچ چیزی بهتر سودمندتر و ارزشمندتر از علم نیست.

گل حسین سعیدی - ۱۶ ساله

عضو کلاس خبرنگاری انجمن حمایت از کودکان کار



گل حسین سعیدی، یک کودک کار:
ما باید خودمان سعی و تلاش
کنیم تا از آن چه خداوند در وجود
ما هست کرده است درست
استفاده کنیم و از آنها بهترین
سود را در این جهان و جهان آخرت
ببریم. درست است که خداوند این
همه قدرت را به انسان ها داده
است ...

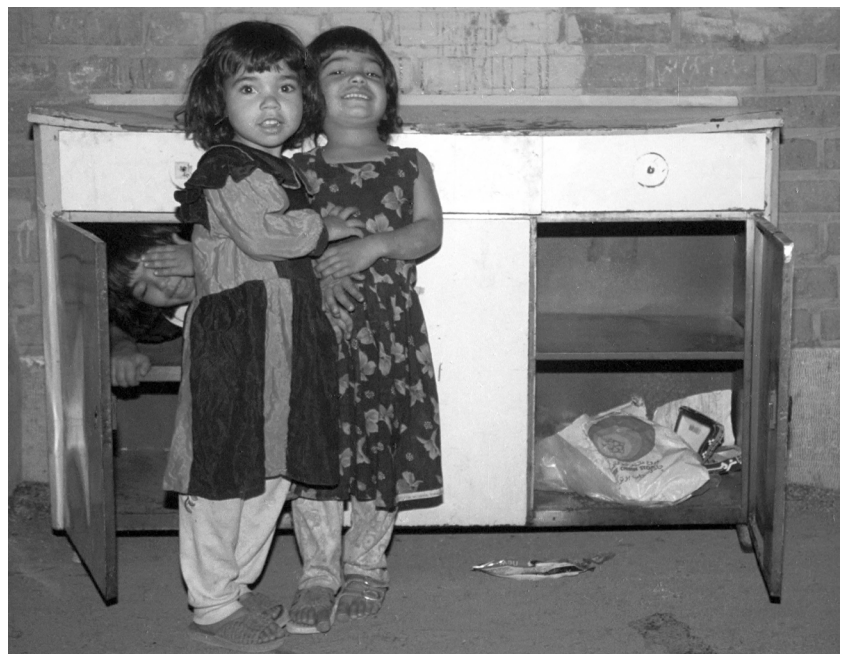
روزهای گرم، روزهای عرق ریزان، پشت چراغ‌های انتظار سبز، پشت نگاه‌های خواهش، پشت هزار در و پنجره بسته... کودکی، کودکی را از یاد می‌برد. همین روزهای گرم که باز می‌رسند روزی برای "مبارزه علیه کار کودک". باز نوید حمایت‌ها، باز تیتراژ تند روزنامه‌ها و باز دستانی که برای یاری بلند می‌شوند... اما می‌رسد فردا و باز سکوتی مدام و تکرار پرسش‌های بی‌پایان. سالیانی است که کودکان کار می‌فهمند، سهم کودکی را طلب می‌کنند. اما هنوز پیکر استخوانی کوچکشان دیده نمی‌شود. شاید برای عده‌ای خیالی دور باشد. اما نه! همین چند متر آن سوتر پشت آن چراغ سبز هنوز پسرکی خسته، پارچه به دست می‌خواهد غبار زندگی را از پیش روی چشمانم پاک کند و آن سو تر دخترکی اصرار دارد ذوق دوخته شده‌اش را بر پارچه‌ای سفید به من ارزانی دارد. دور نیست، نزدیک است، تنها چشمانی را باید برای دیدن.

نه مقاله نامه‌ی ۱۸۲ حقوق بنیادین کار و نه ماده‌ی ۷۹ قانون کار ایران هیچ یک دردی از دردهای کودک کار را جبران نکرد. گذر شش سال زمان برای آن که کودک کار پیدا شود، دیده شود فهمیده شود کافی نبود گویا! مرور مختصری بر روزنامه‌های سال‌های اخیر از زمانی که کودک کار پذیرفته شده و به مسأله آن پرداخته شده است علی‌رغم تصویب قانون، تعیین بودجه، ارایه‌ی گاه به گاه برنامه، هیچ حرف تازه‌ای نداشت، بلکه با پیش آمدن از روزنامه‌های سال ۷۹ تا ۸۵ این نتیجه حاصل می‌شود که تنها واژگانی تکراری بر صفحه‌ای سپید ثبت می‌شود بی‌آن که حتی کوچک‌ترین قدمی به پیش برداشته شده باشد هم چنان که بعد از این گذر از زمان هنوز در دست‌یابی به آمار کودکان کار و کودکان خیابانی موفقیتی حاصل نشده است!

جان و نان

کودک برای کار، کار برای نان، نان برای خانه، خانه برای کار، کودک برای خانه... جان برای نان... بهای کودکی تکیه نانی است تا آرامش هیاهوی گرسنگی باشد. نه دست‌پاچه پینه بسته‌اش نشانی از کودکی دارد نه چشمانش که پشت به ذوق و هیاهو، به پیش روی می‌نگرد: فقر! آدمی به میزان رنجش بزرگ می‌شود و این کودکان زودتر از آن چه باید رنج را می‌فهمند و دیرتر از آن چه که باید کودکی می‌کنند. پای مدرسه‌لنگ است نه زمانی هست برای نشستن پشت نیمکت نه توانی برای دست گرفتن قلم... چرا که داستان خانواده در انتظار نان شب اوست. مشق شب را فراموش باید کرد!

کم نیستند کودکانی که به خاطر فقر، نداشتن سرپرست، یا بد سرپرست بودن خانواده مجبور به کار در محیط‌های نامناسب هستند. محیطی که نه بوی کودکی دارد و نه رنگ کودکی. واکس زنی، شیشه پاک‌کنی، فال فروشی، پلاستیک فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی



ظاهر چندان مناسبی ندارد، آن قدر در سرعت زندگی تاب خورده که وقت شانه زدن به موهای بلندش نیست. لباسش نامرتب است و کمی چرک. مدرسه به اکراه او را می‌پذیرد. هفته‌ای می‌گذرد، ذوق بودن در مدرسه به اتمام می‌رسد. بچه‌ها دوستش ندارند، او نمی‌تواند خوب حرف بزند نمی‌تواند واژه‌های قلمبه بگوید به او یاد نداده‌اند وارد می‌شود در بزند، بزرگتر می‌بیند سلام کند چیزی می‌خورد تعارف کند حواسش باشد هنگام دویدن به دیگری طعنه نزنند، سوال نپرسد، چیزی نخواهد... و مدرسه انتظار دارد او همه این‌ها را بداند پیش از آن که وارد آموزش و پرورش شود! حکم روی پرونده خورده "اخراج"



روزنامه‌فروشی، جمع‌آوری نان خشک، دعا‌فروشی... حجم سبک کار کودک است و دیگر سو کار در کارگاه‌های نمور و آلوده که ضربه بر استخوان‌های نتراشیده کودکی می‌زنند. در میان این حجم انبوه، کودک است که پذیرای آسیب‌های جسمانی و روانی ناشی از کار می‌شود. حس سرخوردگی در اجتماع، طرد از سوی نگاه‌های مردم و دست نیافتن به هیچ چیز روح بزرگش را تکیده می‌کند و ضربه‌های عمیق کار بر پیر نحیفش جسمش را نیز از او می‌گیرد، کار در غبار قالی بافی، جایی را برای نفس کشیدن نمی‌گذارد، کار با استنشاق مواد شیمیایی کفاشی، فلجی را برایش به ارمغان می‌آورد، کار در نجاری، مکانیکی، فیلتر سازی، خیاطی کوره‌پزی دستانش را برای گرفتن حق کوتاه می‌کند. کودکی که نه تنها بهره‌ای از کودکی نمی‌برد بلکه آینده‌ای علیل را پیش رو دارد، اگر که مرگ مجال بودن را به او بدهد. سقوط از ساختمان جان کودک کار را گرفت... ۱۵ کودک کار در کارگاه‌های کفاشی فلج شدند... کودکان ۵ ساله کارگران آجری‌ها... بیماری‌های تنفسی ارمغان کارگاه‌های قالی بافی... دختران علیل، پسران علیل... تیت‌های آشنایی هستند.

چرایی کودک و کار

محفوظ جای سه نفر کار می‌کردند و فرزند بود، حرف گوش کن و مطیع، سر ساعت می‌آمد، دیر می‌رفت، در یک کارگاه فیلتر سازی. اما دیری نپایید. بیرون آمد. زیر بازار دعا می‌فروشد چون آن جا آفتاب ندارد، چون کسی بالای سرش نیست، چون به‌ازای کار سخت ماهیانه ۵۰ هزار تومان ناقابل نمی‌گیرد، چون به اضافه کاری بی حقوق و اداری نمی‌شود، چون... محفوظ خانواده دارد. به کمک پدر و اکسی اش چرخ زندگی را می‌چرخاند برای ۵ خواهر و برادر و مادرش. کودکان کار بی پناه، مطیع، بی در دسر، ارزان قیمت، فارغ از هر گونه حمایت قانونی بهترین نیروی کار برای کارفرمایانی هستند که طالب سود بیشترند.

اما پیش از آن که کارفرمایی به دنبال نیروی کار کودک باشد، این خانواده است که بنا به شرایط نابسامان اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد، مهاجرت، فقر فرهنگی، اعتیاد، طلاق، بی سرپرست بودن یا بد سرپرست بودن کودک را به کار و امی دارد. وظیفه‌ای که بر دوش او سنگینی می‌کند و فرمان می‌دهد "کودکی را از خاطر ببر تو باید کار کنی، این جا ما هستیم، گرسنه تا تو بیایی با نانی در دست."

بر مبنای آخرین آمار ۲۲ میلیون از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق و فقر نسبی زندگی می‌کنند و در این خانواده‌ها به طور قطع کودکان نیز هستند کودکانی که باید جورکش کاستی‌ها باشند. مادامی که امکان اشتغال به کارهای کاذب و درآمدهای نامعقول در شهرهای بزرگ چون تهران باشد، مهاجرت بی رویه چه از سوی شهرستان‌های محروم چه از سوی کشورهای جنگ زده همسایه از بین نخواهد رفت.

قوانین خفته

دیگر پاهایش توان راه رفتن را ندارد، راه رفتن که هیچ حرکتی نمی‌تواند بکند، تنها نان آور خانه



"کودک کار" به کودک زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود که در خیابان یا کارگاه‌ها کار می‌کنند و احساس تعلق نسبت به خانواده دارند. در حال حاضر ۳۵۲ میلیون کودک کمتر از ۱۸ سال در سراسر دنیا کار می‌کنند، ۲۴۶ میلیون کارگر هستند، ۱۷۵ میلیون اشکال اجباری مخاطره آمیز به شیوه استثمار به کار گرفته می‌شوند، ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک نیز به بردگی و قاچاق گرفته شده‌اند. سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک قاچاق می‌شوند، ۳۰۰ هزار کودک تحت استخدام اجباری نیروی‌های نظامی قرار داشته و مجبور به خدمت رسانی به هنگام تنش‌های نظامی هستند بیش از ۶۰۰ هزار کودک در سطح جهان به فعالیت‌های غیر قانونی مشغولند.



گوشه نشین شده است تا دستان چروکیده و زخمی مادرش در جستجوی نان باشد. کار در میان مواد شیمیایی کفاشی بدون تهویه طی چند ماه فلجی کفاشی را برایش به ارمغان آورده اما نمی تواند کاری کند، پیگیری وجود ندارد! ۱۲ سال سن دارد کار کردنش غیر قانونی بوده، هیچ هویت شغلی ثبت شده ای ندارد و تحت بیمه و حمایت هیچ جایی نیست. پس خانه بماند، بی پای سرپرست، بی نان ...

"کودک کار" به کودک زیر ۱۸ سال اطلاق می شود که در خیابان یا کارگاه ها کار می کنند و احساس تعلقی نسبت به خانواده دارند. در حال حاضر ۳۵۲ میلیون کودک کمتر از ۱۸ سال در سراسر دنیا کار می کنند. (روزنامه شرق، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۴) ۲۴۶ میلیون کارگر هستند، ۱۷۵ میلیون اشکال اجباری مخاطره آمیز به شیوه استثماری به کار گرفته می شوند، ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک نیز به بردگی و قاچاق گرفته شده اند. سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک قاچاق می شوند، ۳۰۰ هزار کودک تحت استخدام اجباری نیروی های نظامی قرار داشته و مجبور به خدمت رسانی به هنگام تنش های نظامی هستند بیش از ۶۰۰ هزار کودک در سطح جهان به فعالیت های غیر قانونی مشغولند. بر اساس نتایج تحقیق سازمان بین المللی کار ILO ۱۴ درصد از کودکان در ایران مشغول کارند، که بر مبنای آمار غیر دولتی تنها ۳۵ هزار کودک کار در تهران هستند. در کنار این آمار کاری اگه نماینده صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران سوالی مطرح کرد: "ایران درآمد متوسط دارد اما چرا همگان نمی توانند از این ثروت استفاده کنند؟" بر مبنای اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی در اردیبهشت ۸۲ مبنی بر آن که ۱۵ درصد جمعیت زیر خط فقر است، اعلام کرد ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند، ۳۷۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله کار فصلی می کنند و بیش از ۷۰۰ هزار کودک رسماً کار می کنند.

تا چندی پیش بهزیستی تنها خود را در قبال کودکان کار در خیابان مسوول می دانست و رسیدگی به کودکان کار در کارگاه ها را وظیفه‌ی وزارت کار می دانست، از دیگر سو جمع آوری و رسیدگی به امور این کودکان میان مسوولان امر دچار سرگردانی شده بود. تا سرانجام طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان با همبستگی بهزیستی، قوه قضائیه، یونیسف، شهرداری وزارت کار، وزارت کشور و سازمان های دولتی در سال ۸۲ به تصویب رسید و در سال ۸۴ هم چنان با عنوان آغاز اقدامات قانون ساماندهی کودکان کار ۱۱ دستگاه نیروی انتظامی، وزارت دادگستری، شهرداری، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه و خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان صدا و سیما، جمعیت هلال احمر، وزارت آموزش و پرورش و کمیته‌ی امداد اعلام شروع به کار کردند. (شروع به کار خانه های یاسر و ریحانه که با ظرفیت پذیرش ۳۰ کودک در حمایت از این کودکان داشتند از جمله اقدامات طرح اولیه بود که با صرف بودجه های میلیاردی در هر سال سرانجام به بن بست خورد. پیش از آن خانه‌ی سبز که از سوی شهرداری در سال ۷۸ آغاز به کار کرده بود نیز راه به جایی نبرد.) اگرچه از ابتدای بررسی های صورت گرفته به دخیل کردن نیروی های مردمی NGO ها تأکید می شد اما هنوز



جای خالی آنها در پرونده‌ی کودکان کار از سوی دولت دیده می‌شود. پنج سال می‌گذرد و هنوز میان آمار کودکان کار در ایران تناقض وجود دارد هنوز در اولین گام که شناسایی کودکان است و امانده ایم.

ماده‌ی ۷۹ قانون کار به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال را ممنوع کرده است در سال ۶۹ صراحتاً تأکید کرده است به کار گماردن افراد کمتر از ۱۸ سال تمام ممنوع است. ماده‌ی ۸۰ قانون کار کارگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال را نوجوان نامیده و برای کار کردن وی باید از سوی سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش قرار گیرد. ماده‌ی ۸۱ چگونگی آزمایش که دست کم سالی یک بار باید تجدید شود را تعیین کرده که پزشک متناسب با نوع کار با توانایی کارگر باید اظهار نظر کند. ماده‌ی ۸۲ ساعت کار نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی اعلام کرده ماده‌ی ۸۳ ارجاع هر نوع کار اضافی انجام کار در شب ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان را ممنوع کرده است. ماده‌ی ۸۴ مشاغلی که به علت ماهیت یا شرایط کار برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور باشد را تنها برای سنین بالای ۱۸ سال مجاز دانسته و تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. در ماده‌ی ۱۰۱ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه دولت را موظف کرده بود که برنامه ملی توسعه کار شایسته را به عنوان گفتمان جدید کار و توسعه بر اساس راهبرد سه جانبه‌گرایی در پیش گیرد. در بند الف این ماده حقوق بنیادین کار که از آن جمله رعایت حداقل سن کار و ممنوعیت کار کودک است عنوان شده بود. مقاله‌ی نامه‌ی شماره‌ی ۱۸۲ که ایران در ۱۳۸۰/۸/۸ به آن پیوست تا حقوق بنیادین کار کودک محقق شود. بر مبنای بند آخر این مقاله نامه هر کاری که به دلیل ماهیت یا شرایط ویژه آن احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی و یا اخلاقیات مضر باشد منع شده است بر مبنای این بند تمامی کارهایی که کودکان در ایران مشغول به آن هستند منع شده اند. اما در واقعیت کودکان کار بین ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار می‌کنند و در ازای آن یک سوم افراد بالغ و کارگر مزد دریافت می‌کنند در کنار این شرایط سخت و زیان‌آور کاری سازمان کار و تأمین اجتماعی برای بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی این کودکان اقدامی نمی‌کند. در سال ۸۲ رییس کمیسیون قضایی و حقوق مجلس بیمه کردن کودکان کار زیر ۱۵ سال را ضروری اعلام کرد، برای رفع تناقض این مسأله با غیر قانونی بودن کار کودک حداقل کار ممکن می‌توانست بیمه کردن خانواده کودک باشد تا از به کار گرفتن بچه‌ها جلوگیری شود. از طرف دیگر مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی دکتر معتمدی در سال ۸۲ به اعطای مجوز کار کودکان تأکید و رزید این مجوز که به منزله‌ی مجوز کار (!) است تحت پوشش بودن کودکان کار زیر نظر بهزیستی را نشان می‌داد. و در صورت لزوم کودکان می‌توانستند به وسیله‌ی آن به مراکز درمانی مراجعه کنند. اما قوانین در یک سوست و آمار نقص عضو آسیب‌های روحی، مرگ و... کودکان ۵ تا ۱۸ ساله در کارگاه‌های تولیدی در سوی دیگر. آسیب‌هایی که به گونه‌ای قانون راه‌گریز را برایشان قایل شده است. اگر چه استخدام کودکان غیر قانونی و دارای مجازات است چون کارگاه‌های زیر ۵ نفر از زمره خدمات کار و تأمین اجتماعی خارج است هر گونه تخلفی در آن صورت می‌گیرد چرا که قانون گوشه‌چشمی نیز به آن نخواهد داشت. از طرف دیگر از دید قانون کودکانی که در میان خانواده‌های خود مشغول کار هستند مثل کار در کارگاه‌های قالی‌بافی، کار در مزارع، کارگاه‌های کوچک، بازار و... جرم محسوب نمی‌شود. همین امر باعث سوء استفاده سودجویان شده است تا تحت پوشش کارگاه‌های خانگی به کار کشیدن از کودکان ادامه دهند.

تشکیل هیأت ویژه کودکان کار و خیابان در قوه قضاییه، تصویب بودجه، ساخت خانه‌های سلامت، تشکیل هیأت رسیدگی از ارگان‌های مختلف، صرف بودجه‌های میلیاردری و... هیچ کدام قدمی برای کودکان کار نشد چرا که علی‌رغم وجود قوانین هیچ تضمین اجرایی وجود ندارد. شاید دولت‌مردان ما ترجیح می‌دهند همچون ۶ سال پیش کودکان خیابانی را نبینند و اساساً منکر حضورشان شوند. اما هم چنان که به گفته‌ی معاون اجتماعی شهرداری تهران (زم) شهرداری به هر کودک خیابانی سالانه حدود ۱ میلیون و یکصد هزار تومان سرانه‌ی اختصاص داده است چگونه می‌شود که این بودجه توانایی حل مشکل یک کودک را نداشته باشد کودکی که تنها به دست مایه‌ی فقر مجبور به کار است!

آموزشی برای همه!

ظاهر چندان مناسبی ندارد. آن قدر در سرعت زندگی تاب خورده که وقت شانه زدن به موهای بلندش نیست. لباسش نامرتب است و کمی چرک. مدرسه به اکراه او را می‌پذیرد. هفته‌ای می‌گذرد، ذوق بودن در مدرسه به اتمام می‌رسد. بچه‌ها دوستش ندارند، او نمی‌تواند خوب

اگر فقر مجال آموختن را به این کودکان نمی‌دهد، و لحظه‌های بازی‌شان را زیر بار کار می‌کشاند مسوول کیست؟ چه زمانی به شأن آدمی نگاه‌شان خواهیم کرد؟ چه تضمینی وجود دارد که کودک امروز که برای کار پا بیرون نهاد شب هنگام سالم و بی‌آسیب به خانه بازگردد؟ و اصلاً بازگردد؟ سهم کودکی‌شان را کی ادا خواهیم کرد؟

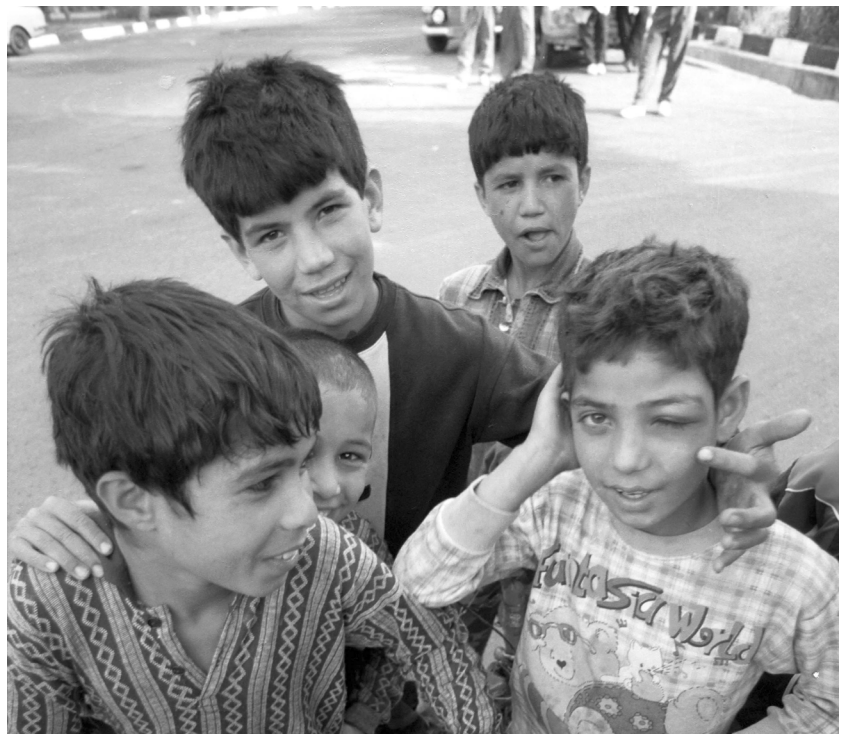
حرف بزند نمی تواند واژه های قلمبه بگوید، به او یاد نداده اند و ارد می شود در بزند، بزرگتر می بیند سلام کند، چیزی می خورد تعارف کند، حواسش باشد هنگام دویدن به دیگری تنه نزدند سوال نپرسد، چیزی نخواهد... و مدرسه انتظار دارد او همه این ها را بداند پیش از آن که وارد آموزش و پرورش شود! حکم روی پرونده خورده "اخراج"

طرح جهانی آموزش برای همه از سوی سازمان ملل متحد به منظور ریشه کنی بی سوادی تا سال ۲۰۱۵ آغاز شده و ایران نیز جزو کشورهای مجری طرح است که با در اختیار داشتن بودجه باید برای گسترش آموزش و پرورش در کشور فعالیت کند. اما آموزش و پرورش در پرداخت خود به این امر به صورت غربالی با کودکان برخورد می کند. از جمله بهانه های گفته شده سن بالا برخی کودکان است و همین طور عدم پذیرش اتباع بیگانه که بنا به جنگ در ایران به سر می برند و کودکان شان بی بهره از تحصیل اند. از سوی دیگر پذیرش کودکان کار ایرانی نیز با مشکل مواجه است چرا که حتی در صورت ثبت نام این کودکان طی مدت زمان کوتاهی یا با برخورد ناشایست باعث خرد شدن شخصیت کودک می شوند یا با عنوان بد آموزی برای سایر کودکان آنان را از مدرسه اخراج می کنند. اگر یک کودک کار نامرتب است، اصول بهداشتی را رعایت نمی کند، نمی تواند خوب صحبت کند، کلمات بلیغ به کار برد ناشی از عدم آموزش به وی است و اگر بنا باشد که آموزش و پرورش به وظیفه ی خود عمل نکند این کودکان در خانواد های با فرهنگ پایین چگونه رشد یابند؟ و این چنین آموزش برای همه پیش می رود.

پنج سال گذشت بسیاری از کودکان کار از حوزه این گروه پابرون گذاشتند و در ازای خروج آنها هزاران کودک دیگر متولد شدند. اگر صبوری بیش از این تاب آورد کودکان کار بسیاری پا به دنیای بزرگتر های گذارند پیش از آن که آموزه های لازم به آنان داده شود، پیش از آن که سهم کودکی شان ادا شود. و فردا روزی است که مواجه خواهیم بود با مردان و زنان بزرگ با انبوه مشکلات، گره هایی که شاید در ابتدا قابل باز کردن باشند با گذر زمان و تاب خوردن بیشتر به گره هایی کور تبدیل می شوند. خطرات و آسیب های اجتماعی نظیر گرایش به مواد مخدر، بهره کشی به صورت فروش یا اجاره، مشارکت در ارتکاب جرم، قرار گرفتن در باندهای فساد و قاچاق، پاکی کودکان کار را تهدید می کند. اگر فقر مجال آموختن را به این کودکان نمی دهد، و لحظه های بازی شان را زیر بار کار می کشاند مسوول کیست؟ چه زمانی به شأن آدمی نگاه شان خواهیم کرد؟ چه تضمینی وجود دارد که کودک امروز که برای کار پابرون نهاد شب هنگام سالم و بی آسیب به خانه بازگردد؟ و اصلاً بازگردد؟ سهم کودکی شان را کی ادا خواهیم کرد؟



کودک برای کار، کار برای نان، نان
برای خانه، خانه برای کار، کودک
برای خانه ... جان برای نان ... بهای
کودکی تکیه نانی است تا آرامش
هیاهوی گرسنگی باشد. نه دستان
پینه بسته اش نشانی از کودکی
دارد نه چشمانش که پشت به ذوق
و هیاهو، به پیش رو می نگرد: فقر!
آدمی به میزان رنجش بزرگ
می شود و این کودکان زودتر از
آنچه باید رنج را می فهمند و دیرتر
از آن چه که باید کودکی می کنند.



مبارزه‌ی جهانی با کار یک میلیون کودک در معادن کوچک

سودا، کودکی اهل نپال، با کار در یک کارگاه سنگ شکنی سهمی در تأمین درآمد خانواده خود ایفا می‌کند. این دختر از ۱۲ سالگی به تهیه‌ی مصالح برای احداث جاده در نزدیکی خانه‌اش کمک کرده است.

به کمک کار وی، درآمد خانواده‌اش مجموعاً به روپیه ۱۴۰۰ یا ۲۰ دلار در هفته می‌رسد. سودا ترجیح می‌دهد به مدرسه برود، ولی اکنون عقیده دارد برایش خیلی دیر شده که تحصیل را آغاز کند.

وقتی از وی سوال شد چرا به انجام کار خطرناک ادامه می‌دهد، صرفاً پاسخ داد: "چاره‌ای نیست." سودا یکی از یک میلیون کودکی است که بنا به تخمین سازمان بین‌المللی کار در معادن کوچک جهان کار می‌کنند. آنها شمار کل کارگران شاغل در معادن کوچک را به ۱۳ میلیون نفر می‌رسانند، بنابراین نسبت کودکان نسبتاً اندک است.

با این حال سازمان بین‌المللی کار عقیده دارد همین رقم کافی است تا حذف کار کودکان به یک ضرورت تبدیل شود.

این کودکان در شرایطی کار می‌کنند که هیچ نظارتی بر آن نیست. آنها باید به تونل‌های تاریک بروند و بارهایی را بکشند که از وزن خودشان سنگین‌تر است.

محیط خطرناک بدین مفهوم است که آنها در معرض بیماری و مصدومیت ناشی از مواد منفجره و مواد شیمیایی سمی قرار می‌گیرند. کارگران خردسال در این معادن کوچک درآمد بخور و نمیری دارند.

"نورمن جنینگز"، کارشناس معدن سازمان بین‌المللی کار می‌گوید که اگرچه استانداردهای این صنعت بهبود یافته است، اما مصرف‌کنندگان، دولت‌ها و کارفرمایان نباید از این وضعیت احساس رضایت کنند.

وی می‌گوید: "ما می‌خواهیم مردم آگاه باشند که بخش قابل ملاحظه‌ای از صنعت معدن از معادن رسمی و ضابطه‌مند تشکیل نشده است. شمار زیادی از مردم در معادن کوچک کار می‌کنند، هر چند سودآوری این نوع معادن کمتر است."

با این حال، تعداد زیادی از شرکت‌های معدنی بزرگ به محدود کردن استخدام کارگران خردسال در بسیاری از مناطق کمک کرده‌اند.

اما برخی شرکت‌ها بخصوص در بخش معادن طلا و سنگ‌های گران‌بها مخفیانه از کودکان بیگاری می‌کشند.

آقای جنینگز می‌گوید: "شرکت‌ها واقعاً مایلند به مردم بگویند که کودکان در برش یا جلا دادن سنگ‌ها دخیل نیستند، اما اگر یک قدم به عقب‌تر برویم، می‌بینیم این سنگ‌ها را کودکان از دل خاک بیرون می‌کشند."

از سوی دیگر طلا به مقادیر اندک استخراج می‌شود و واسطه‌ها آن را مفت می‌خرند. در نتیجه سود ناچیزی نصیب خود معدن‌چیان می‌شود. خریدار سپس طلا را به شرکت‌های بزرگ می‌فروشد یا به خارج از کشور قاچاق می‌کنند.

آقای جنینگز می‌افزاید: به هیچ وجه نمی‌توان فهمید که آیا یک حلقه نامزدی یا دستبند طلا در جواهر فروشی به کمک کار کودکان درست شده است یا خیر.

سازمان بین‌المللی کار از دیرباز از دولت‌ها، کارفرمایان، اهداکنندگان و اتحادیه‌های کاری و نیز اجتماعات محلی و سایر سازمان‌ها خواسته است کودکان را که برخی از آنها فقط پنج سال سن دارند، برای کار در معدن استخدام نکنند.

بهبود شرایط کار، ارایه پول برای خرید ماشین‌آلات و نظارت بر قوانین بهداشتی و ایمنی می‌توان نیاز به کار کودکان را از بین ببرد.

آقای جنینگز می‌افزاید: "صنایع بزرگ هم چنین به شیوه‌های دیگر از جمله ساخت مدرسه بیمارستان و ارایه‌ی زیرساخت کمک می‌کنند تا کودکان به کار گرفته نشوند."

بسیاری از دولت‌ها نیز پادرمیانی کرده‌اند. جمعی گذشته کشور شامل برزیل، کلمبیا، غنا توگو، پاکستان و سنگال پیمانی امضا کردند که به حذف کار کودکان در معادن و کارگاه‌های سنگبری کوچک متعهد شوند.

اما سازمان بین‌المللی کار هم چنین هشدار می‌دهد که کارگران خردسال را صرفاً نمی‌توان از معادله حذف کرد: خانواده‌ها باید پولی را که فرزندان‌شان می‌آورند، از راهی تأمین کنند، و بنابراین کمک مستمر لازم است.

آقای جنینگز می‌گوید: "شرکت‌ها واقعاً مایلند به مردم بگویند که کودکان در برش یا جلا دادن سنگ‌ها دخیل نیستند، اما اگر یک قدم به عقب‌تر برویم، می‌بینیم این سنگ‌ها را کودکان از دل خاک بیرون می‌کشند." از سوی دیگر طلا به مقادیر اندک استخراج می‌شود و واسطه‌ها آن را مفت می‌خرند. در نتیجه سود ناچیزی نصیب خود معدن‌چیان می‌شود. خریدار سپس طلا را به شرکت‌های بزرگ می‌فروشد یا به خارج از کشور قاچاق می‌کنند. به هیچ وجه نمی‌توان فهمید که آیا یک حلقه نامزدی یا دستبند طلا در جواهر فروشی به کمک کار کودکان درست شده است یا خیر.

کودکان کار؛ بی پناهان جامعه

سحر صولتی

مسأله اشتغال کودکان در جهان واقعیتی دردناک و اسفناک است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تا زمانی که فقر، ناآگاهی و نابرابری وجود دارد، با شکل کار کودکان روبرو هستیم. "کودکان کار" به ویژه در جهان سوم (۵۰۰ هزار کودک کار در هند، ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار در چین ۲۰۰ هزار در تایلند) بخشی قابل توجه از جمعیت شاغل بسیاری از کشورها را تشکیل می دهند. از آنجا که این هانمی توانند مانند بزرگسالان از حقوق خود دفاع کنند و کسی نیز از آنان حمایت نمی کند، بیشتر مورد بهره کشی و اذیت و آزار والدین و کارفرمایان قرار می گیرند. بر اساس اعلام سازمان جهانی کار ۲۴۶ میلیون کودک در جهان مشغول به کار هستند که یک سوم آنان به خود فروشی و تجارت مواد مخدر و ۱۰۶ میلیون نفر دیگر به کارهای قابل تحمل و تقریباً سبک اشتغال دارند.

آمار رسمی این سازمان هم چنین نشان می دهد که ۱۲۷ میلیون کودک در آسیا، ۴۸ میلیون نفر در آفریقا، ۱۷/۴ میلیون در آمریکای لاتین، ۲/۵ میلیون نفر در کشورهای غربی و ۲/۴ میلیون نفر در کشورهای اروپای شرقی کار می کنند.

در ایران، اگر بر اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه ریزی مبنی بر آن که ۱۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند، تکیه کنیم؛ در خواهیم یافت که چه درصد بزرگی از کودکان به دلیل فقر به کار مشغول هستند.

بر اساس آمارها، ۲۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی بیش از ۷۰۰ هزار کودک رسماً کار می کنند؛ و با احتساب این که طبق روال مرسوم کشورمان در چنین عرصه هایی، آمار رسمی معمولاً طوری محاسبه می شوند که ضریب خطایی بالا از واقعیت دارند (!)؛ می توان دریافت که بخش قابل توجهی از کودکان زیر ۱۵ سال در ایران مشغول به کار هستند.

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می کنند و به کارهایی مانند واکس زنی پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، پلاستیک فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی روزنامه فروشی، جمع آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله و دعا فروشی در سرچهارراهها بازارها و یا مکان های شلوغ و پرتراffیکی می پردازند و ساعت هایی طولانی در معرض آلودگی های اجتماعی قرار می گیرند.

گرایش به مصرف سیگار و مواد مخدر، بهره کشی از آنان به صورت فروش یا اجاره، مشارکت در ارتکاب جرایم از جمله قتل، سرقت و توزیع مواد مخدر؛ فروش اعضای بدن، قرار گرفتن در باندهای فساد و قاچاق به سایر کشورها از پیامدهای حضور در خیابان است.

از نظر کارشناسان اقتصادی بررسی علل پدیده ی کار کودکان، علت هایی عمده و زیربنایی دارد که از آن جمله می توان به فقر، عدم تعادل اقتصادی و رشد ناکافی اقتصادی، اشاره کرد؛ و



گرایش به مصرف سیگار و مواد مخدر، بهره کشی از آنان به صورت فروش یا اجاره مشارکت در ارتکاب جرایم از جمله قتل، سرقت و توزیع مواد مخدر؛ فروش اعضای بدن، قرار گرفتن در باندهای فساد و قاچاق به سایر کشورها از پیامدهای حضور در خیابان است.



تیم حمایت از کودکان کار ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودکان

واقعیت این است که بدون توزیع درآمد عادلانه و دست یابی افراد به کار و شغل مطلوب در شرایط رونق اقتصادی، این مشکل هم چنان به قوت خود باقی خواهد ماند. البته وجود فقر تنها دلیل به وجود آمدن معضل کودکان کار نیست و علل مختلفی از جمله نقایص موجود در آموزش و پرورش، قوانین و مقررات ناکافی برای مقابله با کار کودکان و فقدان آگاهی عمومی، از عوامل مؤثر در بروز پدیده ای چون کار کودکان به شمار می آید. کارشناسان اقتصادی به این باورند که پیدایش کار کودکان از منطقه ای به منطقه دیگر کاملاً متفاوت است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، رکود اقتصادی، بی کاری، مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها، فقر گسترش یافته و افزایش هزینه های زندگی از عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش کودکان کار است؛ در کشورهای صنعتی رکود اقتصادی و بی کاری رو به گسترش باعث پیدایش دوباره نوعی از کار کودکان است.

در کشور ما که آمار مشخصی در زمینه ی کودکان وجود ندارد؛ مسأله اشتغال کودکان نیز مانند کودکان آزاری، کودکان خیابانی، کودکان بزهکار و سایر کودکانی که به نوعی در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند؛ نه تنها مورد توجه قرار نگرفته و برای کاهش آن نیز اقدامات مؤثری به عمل نیامده است؛ که در جمع آوری آمار و اطلاعات نیز دقت و حساسیت لازم توسط نهادها و سازمان های مربوطه مبذول نشده است.

دو تعریف در مورد کودکان کار وجود دارد، اول کودکان کار زیر ۱۸ سال که بر اثر فشارهای شدید اقتصادی، اجتماعی مجبور به کار و زندگی در خیابان هستند؛ و دوم کودکان کار از حیث ارتباط با خانواده، که به سه دسته تقسیم می شوند: اول کودکانی که در خیابان کار و زندگی می کنند و ارتباطی با خانواده ندارند، دوم کودکانی که در خیابان کار می کنند اما احساس تعلق به خانواده دارند و سوم کودکانی که با خانواده های خود در خیابان کار می کنند.

"سید حسن موسوی" محقق و مدرس دانشگاه معتقد است که گروه دوم یعنی کودکانی که در خیابان کار می کنند و احساس تعلق نسبت به خانواده دارند، کودکان کار محسوب می شود. بر اساس تحقیقات سال ۷۹ که در ۱۵ استان کشور به عمل آمد، ۸۳ درصد کودکان کار با خانواده خود در ارتباط هستند و ۱۷ درصد آنان خیابان را به عنوان خانه انتخاب کرده اند.

موسوی هم چنین معتقد است که کشور هند از جمله کشورهای جهان سوم است که از لحاظ ساماندهی کودکان خیابانی از کشور ما جلوتر می باشد و به پیشرفت های چشمگیری نایل آمده است. هند از جمله کشورهای هیست که با کمک دیگر کشورهای دور از هرگونه برخورد سیاسی و با مشارکت مردمی توانست گامی بلند در ساماندهی و آموزش کودکان کار خیابانی بردارد. چرا که کارشناسان هندی بر این باور بودند که کودکان خیابانی یا خانواده ندارند و یا به دلایلی جامعه پذیر نشده اند؛ به همین دلیل راهی را پیش گرفتند تا بتوانند کودکان خیابانی را با هنجارهای اجتماعی جامعه شان آشنا کنند.

وی در این باره می گوید: "آموزش کلیدی ترین واژه برای مسوولان هند است زیرا که آنان معتقدند اگر بچه ها آموزش های لازم را ببینند خطرات کمتری متوجه آنان شده در نتیجه تهدید امنیت جامعه توسط کودکان کمتر خواهد شد. از جمله این تهدیدها افزایش جرم و جنایت و گسترش بیماری هایی نظیر ایدز و هپاتیت است."

"اکبر معتمدی" کارشناس آسیب های اجتماعی و از معاونان سابق سازمان بهزیستی در خصوص تعریف کودکان کار، به تعریف یونیسف اشاره می کند و می گوید: "انسان زیر ۱۸ سال که بنا به مقتضیات جامعه مجبور به کار باشد، کودک کار محسوب می شود؛ اما ما در جامعه شاهد کار کردن کودکان زیر ۱۵ سال هستیم!"

او هم چنین معتقد است که بهزیستی به مسایل قانونی و غیر قانونی کار توجهی ندارد، و این را وظیفه قوه قضائیه و نیروی انتظامی می داند.

معتمدی کودکان کار را به "کودکان کار در کارگاه ها" و "کودکان کار در خیابان" تقسیم می کند و اعتقاد دارد که "سازمان بهزیستی در قبال کودکان کار در کارگاه ها و یا در مکان های دیگر (کارهای خانگی) هیچ برنامه و طرحی ندارد، زیرا آن را وظیفه وزارت کار می داند گذشته از آن طرح آنان در بهزیستی فقط مخصوص کودکان کار در خیابان است و آن هم محدود است به کودکانی که به مشاغل سیاه، یعنی مشاغل خطرناک همانند کار در کنار بزرگراه ها می پردازند." پس چه کسی از کودکانی که در کارگاه های کمتر از ده نفر به مشاغل سخت مشغول هستند حمایت می کند؟

به راستی آیا کودکانی که هر روز شاهد رفت و آمدشان در کوچه و خیابان هستیم در تأمین معیشت خانواده مؤثرند؟

دکتر معتمدی در این باره می گوید: "کودکان کار نان آوران کوچکی هستند که در بسیاری مواقع

در خیابان که پرسه بزنی کودکان کار فراوانی را می بینی. جلو می روم تا با چند نفر که سر چهارراه قدم می زنند صحبت کنم. چند سال داری؟ "۱۶ سال... ۱۴ سال... ۱۷ سال..." راستی، شما وقتی در این سنین بودید، چه می کردید؟

مانع فساد و فحشا خانواده شده اند؛ از این رو آنان دلاوران بزرگی هستند در مقابل آسیب دیدگان اجتماعی هستند که متأسفانه خودشان به راحتی آسیب پذیرند". وی تعداد کودکان خیابانی را ۲۰ هزار نفر اعلام می کند و معتقد است حدود نیمی از آنان کودکان کار هستند.

دکتر معتمدی بر عکس نظر دکتر موسوی اعتقادی به پیشرفت کشور هند، در زمینه کودکان کار، ندارد و معتقد است "با جمعیتی که کشور هندوستان دارد اصلاً قابل مقایسه با کشور ما نیست!"

او معتقد است؛ مردم جامعه ما بر این باورند که مسوولیت تمام کارها بر عهده دولت است و این طرز فکر به ریشه های تاریخی کشورمان مرتبط است: "چون کشور ما، از قدیم کشوری دیوان سالار یا دولت سالار بوده؛ مردم این گونه عادت کرده اند که تمام کارها بر عهده دولت است؛ به نظر من تا این فرهنگ در جامعه باشد معضل کودکان کار همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند."

در خیابان که پرسه بزنی کودکان کار فراوانی را می بینی. جلو می روم تا با چند نفر که سر چهارراه قدم می زنند صحبت کنم.

چند سال داری؟ "۱۶ سال... ۱۴ سال... ۱۷ سال..."
راستی، شما وقتی در این سنین بودید، چه می کردید؟

منبع: تمام آمارها اداره پیشگیری سازمان بهزیستی



در کشور ما که آمار مشخصی در زمینه ی کودکان وجود ندارد؛ مسأله اشتغال کودکان نیز مانند کودک آزاری، کودکان خیابانی کودکان بزهکار و سایر کودکانی که به نوعی در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند؛ نه تنها مورد توجه قرار نگرفته و برای کاهش آن نیز اقدامات مؤثری به عمل نیامده است؛ که در جمع آوری آمار و اطلاعات نیز دقت و حساسیت لازم توسط نهادها و سازمان های مربوطه مبذول نشده است.



مجازات سو استفاده کنندگان از کودکان کار کافی نیست

مهدی زمانی

کسانی که از کودکان کار بهره‌کشی می‌کنند با قصد سوء استفاده‌ی مادی این کار را انجام می‌دهند و نباید با آنان برخورد عادی شود.

دکتر "محمدی" کارشناس حقوقی به مناسبت روز جهانی "مبارزه علیه کار کودک" در رابطه با مشکلات کودکان کار گفت: بسیاری از کارفرمایانی که از کودکان کار، بهره‌کشی می‌کنند در نوبت اول و دوم به پرداخت جزای نقدی و در نوبت سوم ۹۱ تا ۱۸۰ روز حبس کیفری را متحمل خواهند شد و این بالاترین ضمانت اجرا در مکانیزم کیفری مجازات، با خلاف کاران است.

وی افزود: این مجازات‌ها بسیار کم بوده و چون کارفرمایان با هدف کسب سود به بهره‌کشی از کودکان می‌پردازند می‌بایست با مجازات‌های جدی‌تری مواجه شوند.

محمدی گفت: در مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار بر منع کار کودکان کمتر از ۱۵ سال تأکید شده و از آنجایی که ایران ده سال است به این مقاله‌نامه پیوسته می‌بایست از مفاد آن تبعیت کند.

وی گفت: در قوانین جاری کشور و قبل از پیوستن ایران به مقاله‌نامه ۱۸۲ منع کار کودک لحاظ شده و سن کار کودک کمتر از ۱۵ سال، ممنوع شده.

وی گفت: در دادگاه‌های اطفال کودک به کسی گفته می‌شود که کمتر از ۱۵ سال سن داشته باشد و در قانون کار و ماده‌ی ۴۲ مجازات اسلامی نیز کودک کمتر از ۱۵ سال شناخته شده و با کسانی که این گروه سنی را به کار گیرند برخورد قانونی خواهد شد.

دکتر محمدی گفت: کار کودک تنها در حیطه‌ی قانونی مطرح نمی‌شود، بلکه مسایل جامعه‌شناسی و اقتصادی نیز کار کودک را تحت پوشش قرار داده است.

وی افزود: بحث این که خانواده به چه علت کودک را به کار می‌گیرد، بحث انگیز است و در این راستا مسایل اجتماعی و معیشتی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

محمدی گفت: سطح درآمد معیشت خانواده باید به سطحی برسد که خانواده نیازی به کار کودک نداشته باشد و اگر در صورتی که این موارد لحاظ شد و باز هم شاهد کار کودک بودیم باید با متخلفان برخورد قانونی کنیم.

وی گفت: سنین ۱۵ تا ۱۸ سال برای کودکان سنین کارآموزی است و باید آموزش را برای حضور نوجوانان در عرصه‌های اشتغال کشور جدی بگیریم.

محمدی گفت: در قوانین کشور سن کار کودک ۶ ساعت و کار بزرگسال ۸ ساعت در روز آن هم در مشاغل معمولی است؛ اما برای مشاغل سخت و زیان‌آور سن کار بزرگسال ۶ ساعت و برای کودکان به مراتب کمتر و حتی ممنوع است.

وی گفت: در رابطه با کار کودک پیوستن به کنوانسیون‌ها و توسل به دستاویزهای قانون کفایت نمی‌کند بلکه باید سازمان‌های مردمی در این امر حاضر بوده و در بسیاری از موارد که دولت توان ارایه و پیگیری مشکلات کار کودکان را ندارد به حمایت از آنان بپردازند.

محمدی گفت: می‌بایست از تجربیات سایر کشورهای جهان در جهت منع کار کودکان بهره بگیریم و اقدامات مؤثری در جهت رفع چهره منفور کار کودک از شهرها را در سرلوحه امور قرار دهیم.

بسیاری از کارفرمایانی که از کودکان کار، بهره‌کشی می‌کنند در نوبت اول و دوم به پرداخت جزای نقدی و در نوبت سوم ۹۱ تا ۱۸۰ روز حبس کیفری را متحمل خواهند شد و این بالاترین ضمانت اجرا در مکانیزم کیفری مجازات، با خلاف کاران است. این مجازات‌ها بسیار کم بوده و چون کارفرمایان با هدف کسب سود به بهره‌کشی از کودکان می‌پردازند می‌بایست با مجازات‌های جدی‌تری مواجه شوند.

تحمیل مسوولیت پذیری زودرس به کودک کار راهزنی است

یک فعال حقوق کودک

یک فعال حقوق کودک معتقد است که فقر، دنیا را ناامن، غیر قابل پیش بینی، غیر قابل اتکا و غیر قابل مسوولیت پذیری می کند؛ کودکان کار در عین این که مجبورند مسوولیت معاش خود و حتی خانواده را به عهده بگیرند؛ اما نمی توانند، مسوولیت سرنوشت آینده‌ی جامعه‌شان را به عهده داشته باشند، چرا که خود را بخشی از جامعه میانگین احساس نمی کنند. دکتر شیوا دولت آبادی، روان شناس و استاد دانشگاه علامه طباطبائی، به مناسبت "روز جهانی مبارزه علیه کار کودک" به بررسی روان شناسانه وضعیت کودکان کار در جامعه ایران پرداخته است.

این فعال حقوق کودکان، فقر را از مهم ترین عوامل کار کودکان برمی شمارد و می افزاید: همیشه صحبت در مورد این که وطن کجاست، به میان می آید؛ وطن آن جایی است که دل شاد باشد؛ آن جایی است که به قول روان شناسان پر از تقویت های مثبت باشد؛ یعنی در آن احساس شادمانی، احساس درک شدن و فهمیده شدن وجود داشته باشد؛ اگر دنیایی که تجربه می شود، عاری از هر یک از این عوامل باشد، مسلماً نگاه به آینده در این دنیای غیر قابل اتکا و اعتماد و خالی از شادی ها و مملو از تنبیه، دنیایی می شود که در آن آینده ای وجود ندارد و در آن جو بی فردایی و هوایی پر از ناامیدی حاکم می شود؛ بنابر این فقر، اگر همراه با جهل از سوی خانواده هم باشد، مسلماً زمینه ساز بی ارتباطی و نفرت کودکان کار از جامعه و کناره گیری آنان از اجتماع می شود.

دولت آبادی در ادامه، ضمن بررسی اثرات مقایسه‌ی سرگذشت کودکان کار و کودکانی که از امکانات نسبی رفاه برخوردارند، از نگاه کودکان محروم، می افزاید: بدون تردید این کودکان به انسان های مرفه یا انسان هایی که از حداقل امکانات بدیهی مانند آموزش برخوردار هستند با نگاهی تلخ و همراه با فاصله می نگرند که این نوع نگاه سبب احساس محرومیت بیشتر و در نتیجه عدم تعلق به ارزش ها و آرمان های جامعه می شود؛ بنابر این، این دسته از انسان ها مجبورند که هنجارهای مختص به خود را ایجاد کنند؛ هنجارهایی که بخشی از آن به خاطر شرایط زیستی به آن ها تحمیل می شود و بخشی را به تجربه می آموزند و با این هنجارها است که آن ها می توانند، دنیا را برای خود قابل فهم کنند؛ گو این که این هنجارها، در حقیقت نوعی هنجار شکنی است.

این روان شناس با بیان اثرات مسوولیت پذیری زودرس در کودکان کار می گوید: طبق تحقیقاتی که در کشور ما به صورت مختصر، اما در بسیاری از کشورهای دنیا به صورت مفصل انجام شده است، مسوولیت زودرسی که کودکان کار احساس می کنند، در مقایسه با توانایی این کودکان بسیار تحسین برانگیز است، اما درست به سوزاندن یک انسان می ماند؛ بسیاری از این کودکان در سنینی هستند که تنها باید بازی کنند؛ بچه هایی که شانس بازی ندارند و مسوولیت خود و خانواده را خیلی زودتر از زمانی که توجیه منطقی دارد می پذیرند، از چرخه‌ی طبیعی رشد خود جدا شده و دچار نوعی افسردگی زودرس و بزرگ سالی تحمیل شده می شوند که به همراه خود، نوعی نگاه تلخ و بغض آلود به ویژه نسبت به کسانی که مانند آن ها هستند، ولی به گونه ای بسیار متفاوت زندگی می کنند را ایجاد می کند.

وی می گوید: این تحمیل مسوولیت پذیری زودرس به کودک کار، مثل راه زنی از عمر یک انسان است، یعنی بریدن بخشی از زندگی و محروم کردن او از بازی و تحصیل و هم چنین سوزاندن و کوتاه کردن عمر یک انسان.

وی تصریح می کند: حتی ما در مورد کودکان غیر کار هم به لحاظ تراکم جمعیت در ایستگاه های آموزشی مختلف و یا ساختار اجتماعی - جغرافیایی کشورمان در خصوص آموزش و پرورش به صورت رسمی مشکل داریم؛ اما مشکل کودکان کار این است که به جای تحصیل، کار می کنند که این مسأله، یک چرخه‌ی معیوب تکرار فقر را ایجاد می کند.

این استاد دانشگاه برای تشریح چرخه‌ی فقر در مورد این کودکان می گوید: در دنیای امروز که ما در ساده ترین کارهایش نیازمند آموزش هستیم، اکثر این کودکان حتی از سواد خواندن و نوشتن هم محروم هستند؛ یعنی دروازه‌ی ورود به بینایی و روشنی دانش به روی آن ها بسته شده و زندگی ذهنی آن ها به آن چه که مشاهده می کنند، خلاصه می شود و نه به آن چه که به توانایی پردازش اطلاعات در ذهن آن ها به صورت رسمی کمک می کند و این دور ماندن از امکانات رسمی تحصیلی، بزرگ ترین ضربه ای است که به حیات این کودکان زده می شود چرا که به هر حال خوردن و خفتن، اگرچه در حداقل برای آن ها میسر است، اما پشت نیمکت های



دولت آبادی: این تحمیل

مسوولیت پذیری زودرس به

کودک کار، مثل راه زنی از عمر یک

انسان است، یعنی بریدن بخشی

از زندگی و محروم کردن او از

بازی و تحصیل و هم چنین

سوزاندن و کوتاه کردن عمر یک

انسان.

مدرسه ننشستن آنان، یعنی دور ماندن از نوعی تعلق به جامعه و به حاشیه رانده شدن. دولت آبادی در مورد حق دست رسی به بهداشت برای کودکان کار می گوید: متأسفانه عامل فقر سبب می شود که این بچه ها، دندان های ناسالم و رشد جسمانی ناکافی داشته باشند و حتی مسایل اولیه، مثل آلودگی موها به حشرات و سوء تغذیه هم در کنار اجبار به کار آن ها دیده می شود.

وی تصریح می کند: من نمی خواهم بگویم، همه خانواده هایی که مجبورند بچه های شان را به کار بگمارند، آنان را از امنیت اولیه روانی به معنای هم زیستی و دل بستگی محروم می کنند، اما مطمئناً حمایت بهداشتی و تغذیه ای مناسب در مورد این کودکان صورت نمی گیرد.

این فعال حقوق کودکان در مورد ضرورت فضای امن زیستی درون خانواده ها برای کودکان می گوید: مدت زمانی طولانی است که فرزند بشر نیازمند حمایت مستقیم از سوی افرادی است که ما به عنوان مراقبان اولیه از آن ها یاد می کنیم؛ چه آن ها والدین باشند و یا کسانی که به صورت مستمر، مداوم و قابل اتکا، دنیا را برای ما قابل فهم و قابل پیش بینی می کنند و در عین این که پیوند و دل بستگی ایجاد می نمایند، یک تصویری از نظم و امنیت را از دنیای قابل اتکا به بشر ارائه می دهند؛ این موضوع البته در فضاها و شرایط مختلف بسیار متنوع است، ولی یک چیزی شبیه یک خط ممتد امنیت، برای سلامت روان بشر ضروری است.

دولت آبادی، ضمن تأکید مجدد بر ضرورت ایجاد فضای زیستی امن درون خانواده های افزایش: عوامل زیادی این فضای زیستی امن را به هم می ریزند که در مورد کودکان کار باید گفت، برای آن ها، کار مستمر عامل به هم خوردن این فضا است.

این استاد دانشگاه با تفاوت قایل شدن میان کودکان کار و کودکانی که به صورت فصلی کار می کنند، تصریح می کند: کار برای کودکانی که در کنار خانواده و در کنار تحصیل به کار می پردازند، اتفاقاً می تواند سازنده باشد و مسوولیت پذیری آن ها را بالا ببرد؛ ضمن آن که نوعی تعهد را نسبت به هر حرفه و فضای شغلی ایجاد کند، به این شرط که آن ها را از سایر امکانات زندگی برای رشد محروم نکند؛ اما آن دسته از کودکانی که دقیقاً جهت تأمین معاش خود و حتی خانواده شان مجبور به کار هستند، از جریانات بدهی تحصیل و رشد و خلاقیت به دور می مانند؛ آن ها فاقد فضای زیستی امن به معنای حمایت شدن برای تحصیل و سلامت و بقای مناسب به عنوان انسان هستند.

دکتر دولت آبادی در خاتمه تأکید دارد: عامل اصلی کار کودکان، فقر و عدم تأمین اجتماعی است.



من نمی خواهم بگویم، همه خانواده هایی که مجبورند بچه های شان را به کار بگمارند آنان را از امنیت اولیه روانی به معنای هم زیستی و دل بستگی محروم می کنند، اما مطمئناً حمایت بهداشتی و تغذیه ای مناسب در مورد این کودکان صورت نمی گیرد.

آغاز امیدوارکننده روند کاهش کار کودکان

ترجمه از لیلی کشوادی

سازمان جهانی کار (ILO) گزارش جدید و امیدوارکننده‌ای را با عنوان پایان استثمار کودکان قریب الوقوع است. منتشر کرده است. در این گزارش آمده است، برای نخستین بار در سراسر جهان، کار کودکان، به خصوص بدترین اشکال آن، سیر نزولی یافته است. این گزارش، هم چنین حاکی است که اگر روند فعلی کاهش با همین سرعت حفظ شود و حرکت جهانی به سوی پایان دادن کار کودکان ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که طی ۱۰ سال آینده هدف محو استثمار کودکان، به خصوص بدترین اشکال آن، محقق شود.

”جان سوموایا“، دبیرکل (ILO)، می‌گوید: پایان استثمار کودکان نزدیک است، گرچه مبارزه علیه استثمار همچنان چالشی سهمگین و گسترده محسوب می‌شود، اما در مسیر صحیحی حرکت می‌کنیم، می‌توانیم شاهد محو بدترین اشکال استثمار کودکان طی دهه آینده باشیم، در عین حال نباید چشم انداز و هدف نهایی پایان یافتن کار تمام کودکان کارگر را، مورد غفلت قرار دهیم. گزارش جدید حاکی از آن است که شمار واقعی کودکان کارگر در سراسر جهان، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ از ۱۱ درصد کاهش یافته و از ۲۴۶ میلیون نفر به ۲۱۸ میلیون نفر رسیده است.

نکته‌ی مهم این گزارش آن است که از شمار کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۷ ساله‌ای که در دام مشاغل خطرناک گرفتار شده‌اند، تا ۲۶ درصد کاسته شده و تعداد آنان از میزان ۱۷۱ میلیون نفر ثبت شده در آمارهای گذشته به ۱۲۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ رسیده است. میزان این کاهش در بین کودکان ۵ تا ۱۴ ساله چشمگیرتر و در سطح ۳۲ درصد بوده است.

ILO چهار سال پیش جامع‌ترین گزارش جهانی را در مورد کار کودکان منتشر کرد که تا آن زمان بی‌نظیر بود. ILO با استفاده از همان روش‌های آماری به کار گرفته شده در آن گزارش از آن زمان به بعد، کاهش چشمگیری را در شمار کودکان کارگر، شاهد بوده است.

این گزارش، کاهش شمار کودکان کارگر را با افزایش تمایل سیاسی و آگاهی‌ها و اقدامات جامع و اساسی، به خصوص در زمینه کاهش فقر و آموزش عمومی مرتبط می‌داند که منجر به ظهور نهضت جهانی علیه استثمار کودکان شده است.



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک
انجمن حمایت از کودکان کار

”جان سوموایا“، دبیرکل (ILO)
می‌گوید: پایان استثمار کودکان
نزدیک است، گرچه مبارزه علیه
استثمار همچنان چالشی سهمگین
و گسترده محسوب می‌شود، اما
در مسیر صحیحی حرکت می‌کنیم
می‌توانیم شاهد محو بدترین
اشکال استثمار کودکان طی دهه
آینده باشیم، در عین حال نباید
چشم انداز و هدف نهایی پایان
یافتن کار تمام کودکان کارگر را
مورد غفلت قرار دهیم.





ILO از طریق برنامه‌ی جهانی محو استثمار کودکان یا IPEC، در ایجاد توانایی‌های ملی برای مقابله با مشکل استثمار کودکان و آرایه‌ی توصیه‌هایی در سیاست‌گذاری‌ها، کمک کرده است. به علاوه این برنامه، از طریق اقدام مستقیم، طی دهه گذشته حدود ۵ میلیون کودک را زیرپوشش گرفته است. این اقدامات مبتکرانه، نقش یک تسریع‌کننده بسیار قدرتمند را ایفا کرده است، که از حیث تحریک مسوولان برای اقدام و نیز نشان دادن چگونگی اجرای روش‌های مؤثر در محو استثمار کودکان، مهم بوده است.

"گی تیجس"، مدیر بخش محو استثمار کودکان ILO با اشاره به کاهش ۳۳ درصدی در شمار کودکان کارگر جهان، این آمار را بسیار دلگرم‌کننده خواند و گفت: تلاش‌ها و مبارزات دایمی برای افزایش آگاهی عموم، تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های دولت‌های سراسر جهان، گذاشته است.

او افزود: ما شاهد اصلاح سیاست‌ها، اصلاح قوانین و مقررات، اجرای برنامه‌ها و توجه به مسأله کار کودکان هستیم، از این رو به نظر من، موفقیت ما حتی بیش از آگاهی‌ها نیست. تیجس هم چنین گفت: در حال حاضر ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که کشورها واقعاً برای ریشه‌کنی استثمار کودکان از صرف پول دریغ ندارند و این مسأله را کاملاً جدی گرفته‌اند.

طی پنج سال گذشته، اپیک به چند کشور کمک کرده است تا اقدامات مناسب زمان‌بندی شده‌ای را برای محو بدترین اشکال استثمار کودکان اجرا کنند. این گزارش از تمام کشورهای عضو خواسته است که اگر تاکنون اقدامی در این زمینه انجام نداده‌اند، برنامه‌های زمان‌بندی شده‌ها را سال ۲۰۰۸ را بپذیرند و اجرا کنند.

بنا بر این گزارش، در حال حاضر بیش از ۳۰ کشور عضو ILO اهداف زمان‌بندی شده‌ای را تعیین کرده‌اند که تا سال ۲۰۱۶ و حتی زودتر از این زمان، بدترین اشکال استثمار کودکان را ریشه‌کن کنند.

این گزارش، به رغم پیشرفت قابل ملاحظه در مبارزه علیه کار کودکان، بر چالش‌های مهمی نیز تأکید کرده است. مهم‌ترین این چالش‌ها وضعیت نگران‌کننده استثمار کودکان در بخش کشاورزی است، زیرا از هر ده کودک کارگر، هفت کودک در این بخش مشغول کار هستند. سایر چالش‌ها شامل در نظر گرفتن و توجه به تأثیر بیماری‌های ایدز بر کودکان و ایجاد حلقه‌های محکم‌تر

**گزارش ILO آسیا را نمونه‌ی
بارزی می‌داند که نشان می‌دهد
چگونه تعهد سیاسی برای کاهش
فقر و گسترش آموزش و امکانات
تحصیلی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر
محو استثمار کودکان گذاشته
است. هر چند روند این پیشرفت در
سراسر جهان یکنواخت نیست.**



بین کار کودکان و وضعیت اشتغال جوانان است.

گزارش اخیر، خواهان افزایش اقدامات ملی با مشارکت سازمان‌های نماینده‌ی کارفرمایان و کارگران و نیز دولت‌هاست، یعنی شرکایی که ساختار سه‌جانبه مورد نظر ILO را تشکیل می‌دهند. همچنین گزارش، خواهان تقویت جنبش جهانی برای محور استعمار کودکان است تا جایی که از آن فقط به عنوان یک واقعه‌ی تاریخی یاد شود. گزارش می‌گوید، تحقق اهداف توسعه‌ی هزاره‌ی سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ به ریشه‌کنی کار کودکان مانع بیشتری می‌کند. بنا بر این گزارش، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، شاهد بیشترین کاهش شمار کودکان کارگر طی این دوره چهارساله بوده است. تعداد کودکان شاغل این منطقه در این مدت تا دو سوم کاهش یافته است و در حال حاضر فقط ۵ درصد کودکان این منطقه، مشغول کارند.

در گزارش ILO از کشور برزیل به عنوان نمونه‌ی یاد شده است که نشان می‌دهد چگونه کشورها می‌توانند در مبارزه با کار کودکان موفق باشند، زیرا از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴، شمار کودکان کارگر در گروه سنی ۵ تا ۹ ساله در این کشور تا ۶۱ درصد و در گروه سنی ۱۰ تا ۱۷ سال نیز تا ۳۶ درصد کاسته شده است.

مکزیک، کشور دیگری است که شمار کودکان کارگر آن به طور چشمگیری کمتر شده است. از آن جا که نیمی از کودکان کارگر آمریکای لاتین در برزیل و مکزیک زندگی می‌کنند، این کاهش بسیار با اهمیت و مؤید این واقعیت است که تحقق اهداف محور کار کودکان دست‌یافتنی است. بنا بر این گزارش، در آسیا و اقیانوسیه در شمار کودکانی که از حیث اقتصادی فعال هستند کاهش قابل ملاحظه‌ای به وجود آمده است. بنا بر آمارهای ILO هنوز در این منطقه بیشترین تعداد کودکان کارگر در گروه سنی ۵ تا ۱۴ سال فعالیت می‌کنند که رقمی را حدود ۱۲۲ میلیون نفر شامل می‌شود.



گزارش ILO آسیا را نمونه بارزی می‌داند که نشان می‌دهد چگونه تعهد سیاسی برای کاهش فقر و گسترش آموزش و امکانات تحصیلی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر محور استعمار کودکان گذاشته است. هرچند روند این پیشرفت در سراسر جهان یکنواخت نیست.

۲۶ درصد از جمعیت کودکان کارگر یا قریب به ۵۰ میلیون کودک کارگر در منطقه زیر صحرای آفریقا به سر می‌برند، به عبارت دیگر این منطقه در مقایسه با سایر نقاط جهان، بیشترین تعداد کودکان فعال اقتصادی را در مقایسه با جمعیت خود دارد. بنا بر گزارش جهانی، وجود عوامل متعدد و هم‌زمان مانند رشد بالای جمعیت، گسترش فقر محض و شیوع بیماری‌های خانمان‌سوز ایدز، مانع پیشرفت در مبارزه با استعمار کودکان در این منطقه شده است، هرچند علایمی از پیشرفت نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال، میزان ثبت نام کودکان در مقطع ابتدایی در منطقه بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ تا ۳۸ درصد افزایش یافته است.

این گزارش هم‌چنین به حرکت بی‌سابقه در سطح جهانی اشاره دارد که وضعیت اسفبار و نگران‌کننده این قاره را در اولویت توجه جهانی قرار داده است، از این رو به نظر می‌رسد روزنه‌ی امیدی را برای مبارزه آفریقا علیه استعمار کودکان گشوده است.

**۲۶ درصد از جمعیت کودکان کارگر
یا قریب به ۵۰ میلیون کودک کارگر
در منطقه زیر صحرای آفریقا
به سر می‌برند، به عبارت دیگر این
منطقه در مقایسه با سایر نقاط
جهان، بیشترین تعداد کودکان
فعال اقتصادی را در مقایسه با
جمعیت خود دارد.**

"سوماویا" در این باره می‌گوید: در قرن بیست و یکم، دیگر نباید با هیچ کودکی، رفتار غیرانسانی داشت و او را استثمار یا مجبور به انجام کارهای خطرناک کرد. هیچ کودکی نباید از فرصت تحصیل محروم باشد، هیچ کودکی نباید برای امرار معاش خود تبدیل به یک برده شود. بیایید با هم حرکت و اقدام کنیم. بیایید با هم تصمیم بگیریم تلاش برای دفاع از حق همه‌ی کودکان را ادامه دهیم تا همه‌ی آنها از حق استفاده از دوران کودکی خود بهره‌مند شوند.

برنامه‌ی جهانی محو استثمار کودکان، ایپک، بزرگ‌ترین برنامه‌ی جهانی است که ویژه‌ی ریشه‌کنی استثمار و کار کودکان است. این برنامه هم‌چنین بزرگ‌ترین برنامه‌ی عملیاتی ILO محسوب می‌شود. ایپک از زمان تشکیل در سال ۱۹۹۲ تاکنون بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار هزینه کرده است و هزینه سالانه آن در حال حاضر ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار است.

ایپک و رای ساختار سه‌جانبه ILO، متشکل از دولت‌ها و سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، با سایر بخش‌ها نیز همکاری می‌کند. از جمله می‌توان به بخش تجارت خصوصی، سازمان‌های اجتماعی، نهادهای غیردولتی، رسانه‌ها، نمایندگان بارز پارلمان‌ها، حوزه‌ی قضایی کشورها دانشگاه‌ها، گروه‌های مذهبی و البته کودکان و خانواده‌های آنها اشاره کرد. برای موفقیت برنامه‌ی ایپک اقدام ملی و بین‌المللی بسیار مهم است. ایپک از طریق مقامات محلی و شهرداری‌ها می‌تواند کودکانی را تحت پوشش قرار دهد که در بخش اقتصاد غیررسمی و بنگاه‌های تجاری کوچک و متوسط مشغول کار هستند، و نیز نگرش‌هایی را اعتلا بخشد که باعث نجات کودکان از قید استثمار و کار و روانه کردن آنها به مدارس و برخورداری آنها از حق تحصیل می‌شود.

منبع: BBC و ILO



برنامه‌ی جهانی محو استثمار کودکان، ایپک، بزرگ‌ترین برنامه‌ی جهانی است که ویژه‌ی ریشه‌کنی استثمار و کار کودکان است. این برنامه هم‌چنین بزرگ‌ترین برنامه‌ی عملیاتی ILO محسوب می‌شود. ایپک از زمان تشکیل در سال ۱۹۹۲ تاکنون بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار هزینه کرده است و هزینه سالانه آن در حال حاضر ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار است.

بیانیهی انجمن حمایت از کودکان کار

۲۲ خردادماه ۱۳۸۵ خورشیدی

گرامی باد تلاش و همبستگی جهانی برای محو تمامی اشکال بهره‌کشی از کودکان بار دیگر در آستانه‌ی دوازدهم ژوئن (۲۲ خرداد) روز جهانی مبارزه علیه کار کودک قرار داریم و این در حالی است که وجدان‌های بیدار و افکار عمومی جهانی بیش از پیش بر ضرورت حمایت همه‌جانبه از حقوق کودکان و محو تمامی اشکال بهره‌کشی از کودکان پی‌برد. و حرکت جهانی الغای کار کودکان آهنگ سریع‌تری پیدا کرده اگر چه این حرکت سالیان درازی است که آغاز گردید. ولی در مسیر پرفراز و نشیب خود تجارب و دستاوردهای فراوانی داشته و از خود گذشتگی‌ها و جان‌باختگی‌های فراوانی را شاهد بوده است.

تصویب مقاله‌نامه‌ی ۱۳۸ سازمان جهانی کار در سال ۱۹۷۳ با موضوع موکلف نمودن دولت‌ها برای تعیین حداقل سن کار کودک، تصویب پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۸۹، تصویب مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار با موضوع احترام برای محو فوری بدترین اشکال کار کودکان به سال ۱۹۹۹ میلادی تصویب سند طرح جهانی "آموزش برای همه" سال ۲۰۰۰ یونسکو "داکار" تنها شمایی از این دستاوردها بوده که اگر چه در جایگاه خود نتوانسته‌اند پوشش حمایتی لازم برای صیانت از حقوق کودکان و محو بهره‌کشی از کودکان را فراهم نمایند.

تجارب این سالیان مبین این واقعیت است که ملزم نمودن دولت‌ها به انجام دقیق تکالیف شان تنها از طریق حضور فعال و مشارکت سازمان یافته‌ی مردم در قالب تشکل‌های صنفی تخصصی مردمی هم در عرصه‌ی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا و هم در عرصه‌ی نظارت و پیگیری میسر خواهد بود و این امر راه‌حلی است بنیادین برای حل تمام مشکلات از جمله موضوع الغای کار کودکان و بی‌دلیل نیست که مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار بر ضرورت حضور و نظارت تشکل‌های صنفی کارگران و تشکل‌های صنفی کارفرمایان و سایر گروه‌های مرتبط در کنار نهادهای ذیربط دولتی در تمامی مراحل اقدام برای شناسایی و محو فوری بدترین اشکال کار کودکان اصرار می‌ورزد و هم چنین ماده‌ی ۱۸۲ برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی نیز بر ضرورت حضور تشکل‌های صنفی تخصصی، مردمی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی تأکید دارد. کشور ما نیز مانند بسیاری از دیگر کشورها تمامی مصوبات و قوانین یاد شده را پذیرفته و خود را ملزم به اجرای آنها می‌داند ولی تاکنون شاهد برداشتن گام‌هایی جدی در جهت محو پدیده‌ی کار کودکان و یا اجرای فراگیر طرح آموزش برای همه نبوده ایم و هرگاه صحبت از اقدام عملی بوده تنها از روش آسیب‌زای جمع‌آوری با هدف حذف کودکان کار از چهره‌ی شهر به جای حذف کار کودکان استفاده شده و یا صرفاً اقداماتی نظیر تهیه‌ی فهرستی از بدترین اشکال کار کودکان بسنده گردیده که آن هم از جنبه‌های مختلف نیاز به بازنگری و اصلاح دارد. از این رو انجمن حمایت از کودکان کار با تأکید بر این مهم که اولویت و اهمیت محو فوری بدترین اشکال کار کودکان نبایستی موجب مشروعبیت بخشیدن بر دیگر اشکال کار کودکان باشد. در کنار تمامی کسانی که دغدغه‌ی ساختن فردایی بهتر برای تمامی کودکان این سرزمین را دارند و هم پای تلاش جهانی برای محو پدیده‌ی کار کودکان تحقق موارد ذیل را پیش‌زمینه‌ی برای محو کار کودکان دانسته و خواسته‌های خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

۱- به عنوان اقداماتی فوری ما خواستار متوقف نمودن طرح‌های جمع‌آوری و حذف کودکان کار از چهره‌ی شهرها و جایگزینی طرح‌ها و برنامه‌هایی با نگرش حمایتی از آنان می‌باشیم.
 ۲- به منظور حسن اجرای طرح جهانی آموزش برای همه ما خواستار لغو تمامی پیش‌شرط‌ها، قید و بندها و محدودیت‌های پیش‌رو برای تمامی کودکان خارج از پوشش تحصیلی شامل کودکان کار، کودکان خیابان، کودکان پناهنده، کودکان پناه‌جو و... و بازگرداندن آنان به چرخه‌ی آموزش و انطباق برنامه‌های آموزشی طرح مذکور با شرایط زندگی این کودکان هستیم.
 ۳- به استناد بند ۲ ماده‌ی ۴ مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲، ما خواستار فراهم نمودن امکانات لازم، بررسی مجدد، تکمیل و رفع نقص از فهرست پیشنهادی بدترین اشکال کار کودک (مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۹ هیأت وزیران) با بهره‌گیری از حضور فعال تشکل‌های مستقل کارگری و سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی حقوق کودکان و دیگر نهادهای مرتبط هستیم.

۴- به استناد بند ۲ ماده‌ی ۶ مقاله‌نامه‌ی ۱۸۲، ما خواستار تدوین و اجرای برنامه‌های اقدام برای محو فوری بدترین اشکال کار کودکان با تأکید بر حضور و نظارت تشکل‌های مستقل کارگری و سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی حقوق کودکان و دیگر نهادهای مرتبط هستیم.

کشور ما نیز مانند بسیاری از دیگر کشورها تمامی مصوبات و قوانین یاد شده را پذیرفته و خود را ملزم به اجرای آنها می‌داند ولی تاکنون شاهد برداشتن گام‌هایی جدی در جهت محو پدیده‌ی کار کودکان و یا اجرای فراگیر طرح آموزش برای همه نبوده ایم و هرگاه صحبت از اقدام عملی بوده تنها از روش آسیب‌زای جمع‌آوری با هدف حذف کودکان کار از چهره‌ی شهر به جای حذف کار کودکان استفاده شده و یا صرفاً اقداماتی نظیر تهیه‌ی فهرستی از بدترین اشکال کار کودکان بسنده گردیده که آن هم از جنبه‌های مختلف نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.



کلمه های کودکان کار

به یاد کودکان کار
به یاد کار آنان
آنان کارگرند
سرگردان و بی چاره
همیشه کار و کار
بازی و تفریحی کجاست؟
ما کودکان کاریم
ما دنیا را می سازیم
ما می گوئیم کارگریم
چه کسی می شنود؟
این حرف های قشنگ را
این حرف های تکراری
کودکان خیابان
بی سرپناه و سرگردان
کارگران کوچه ها
بازار و خیابان ها

آینتا صدیقی - ۱۳ ساله

۳۵

www.apcl.org.ir
apcl_iran@hotmail.com

یکی بود، یکی نبود. روزی، موشی کوچولو زودتر از همه از خواب بلند شد و رفت به جنگل تا ببینه کی از خواب بیدار شده. خورشید وسط آسمان بود. رفت بالای درخت، اما هیچ کس بیدار نشده بود. حتی خروس سحر خیز هم بیدار نبود. موشی با خودش گفت لابد اتفاقی برای حیوانات جنگل افتاده.

اما نه! امروز روز تولد موشی کوچولو بود، همه می خواستند موشی رو غافل گیر کنند.
شیلا شمسی - ۱۱ ساله

دنیای بدون کار کودک

آلبانی

مرکز حقوق کودکان آلبانی یکی از بزرگ‌ترین حامیان حقوق کودکان در این کشور، گزارش جدیدی را CRCA از آخرین وضعیت کودکان کشور مذکور منتشر کرد. "آلتین هازیزاج"، یکی از تهیه‌کنندگان این گزارش گفت: امروزه ما متوجه شده‌ایم که وضعیت کودکان کار آلبانی بیشتر از آن چیزی که پیش از این فکر می‌کردیم، جدی و مستلزم توجه است. وی افزود: طی چند روز آینده، درخواست‌های خود را به مقامات و مسوولان آلبانیایی، به ویژه وزیر کار آلبانی که چندین سال است کودکان را بدون محافظت رها کرده، ارایه خواهیم کرد. گزارش اخیر، از نظر کمی و کیفی، پدیده‌ی کار کودکان را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. این گزارش به تحلیل استعمار و بهره‌برداری اقتصادی از کودکان، دلایل این پدیده و پیامدهای آن در آلبانی می‌پردازد. گزارش مذکور هم‌چنین فهرستی از راهکارها و پیشنهادهای مقامات آلبانیایی و جامعه شهری برای برخورد با این پدیده ارایه کرده است.

اوگاندا

اتحادیه کل معلمان اوگاندا اعلام کرد: معلمان در زمره‌ی افرادی هستند که از کودکان کار بهره‌جویی می‌کنند. "جان سیتوما واتسون"، دبیر کل اتحادیه کل معلمان اوگاندا، گفت: برای معلمان خجالت آور است که شعار مبارزه با کار کودکان را بدهند، در حالی که بچه‌های مدرسه‌ای‌ها برای معلمانشان هیزم آب گوارا، غذا و محصول درو شده می‌برند. سیتوما، روز شنبه در جلسه‌ای با معلمان، گفت: این وظیفه‌ی معلمان است تا به عنوان یک اتحادیه با کار کودکان مبارزه کنند. وی گفت: اتحادیه کل معلمان اوگاندا نباید فقط به عنوان اتحادیه‌ای به منظور افزایش حقوق نگریسته شود، بلکه باید به عنوان یک اتحادیه‌ی مبارز کار کودکان شناخته شود. سیتوما، در ادامه گفت: معلمان وظیفه دارند تعداد کودکان محصلی را که کار می‌کنند، اعلام نمایند. وی افزود: کودکانی که کار می‌کنند از لحاظ فیزیکی، روانی و تحصیلی عقب مانده‌بار می‌آیند.

پاکستان

با توجه به آمار تکان‌دهنده کودکان کار، دولت پاکستان برنامه‌ای ویژه‌ای را در راستای پایان بخشیدن به کار کودکان آغاز کرده است. به گزارش "پاک نیوز"، دولت فدرال پاکستان در راستای همکاری با سازمان بین‌المللی کار در پایان بخشیدن به کار کودکان در صنعت فرش باقی این کشور، برنامه‌ای ویژه‌ای را آغاز کرده است. طبق این برنامه، مراکز آموزشی غیر رسمی در بخش‌های متعددی برای افزایش آگاهی کودکان کار نسبت به حقوق‌شان دایر شده است. این گزارش می‌افزاید: بیش از ۹ هزار کودک در این مراکز ثبت نام کرده و علاوه بر آموزش رایگان از امکانات تفریحی نیز برخوردارند. گفتنی است؛ طبق بررسی‌های انجام شده، بیش از ۳/۳ میلیون کودک کار به ویژه در بخش‌های کشاورزی و تولیدی در پاکستان وجود دارد. از این میان، نزدیک به نیمی از این کودکان در بخش فرش باقی به "کار اجباری برای استهلاک قرض" گماشته شده‌اند. هم‌چنین سازمان یونسف از وضعیت کودکان بازمانده‌ی زلزله‌ی اخیر پاکستان که برای کمک به خانواده‌هایشان در جستجوی کار هستند، ابراز نگرانی کرد. به گزارش سایت خبری "دیلی تایمز" پاکستان، در قسمت کوهستانی کشمیر پاکستان، پیش از زلزله ۸ ریشتری اخیر، کودکان بیشتری نسبت به سایر نقاط کشور در مدارس مشغول به تحصیل بودند. آمار کودکان کار در منطقه کشمیر پاکستان در حالی افزایش یافته که بیشتر مدارس این منطقه بر اثر زلزله تخریب شده و با وجود بازگشایی مدارس هنوز بیشتر شاگردان فاقد کلاس درس هستند.



"محمد عرفان"، کودک ۱۴ ساله مقیم شهر کوچک "پاتیکا" که پس از وقوع زلزله درس را رها کرده در یک مغازه مشغول کار است، در این باره می گوید: "من باید به خانواده ام کمک کنم، زیرا ما مشکلات زیادی داریم، ما هرچه داشتیم از دست دادیم".
عرفان، بابیان این که مدرسه اش پس از وقوع زلزله هنوز باز نشده و برای ادامه ی تحصیل مداد و کتابی ندارد، گفت: مجبور هستم برخلاف آرمان ها و آرزوهای پدرم در این مغازه کار کنم. "زافرین چودھوری"، سخنگوی زن یونیسف، در این خصوص گفت: "این موضوع برای ما نیز نگرانی هایی ایجاد کرده است و ما سعی داریم تا به اوضاع مسلط شویم".

جامایکا

صندوق بین المللی کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) از شمار فزاینده کودکان کار و فقیر جامایکا ابراز نگرانی کرد.
به گزارش نشریه ی "جامایکا گلینر"، گزارش تحلیلی منتشر شده از سوی "مرکز انجمنی سینت آندر" درباره وضعیت کودکان جامایکا در سال ۲۰۰۶ حاکی از آن است که ۱۶ هزار و ۲۴۰ کودک ۵ تا ۱۷ ساله در سال ۲۰۰۴ کار می کرده اند.
این گزارش، می افزاید: بیشتر این کودکان کار، پسر بچه های ۱۵ تا ۱۷ ساله بوده اند که به طور متوسط ۲۲ ساعت در هفته کار می کردند.
این گزارش تخمین زده که حدود ۲ هزار کودک در کنار خیابان های جامایکا کار و زندگی می کنند.

گزارش یونیسف نیز حاکی است که بیش از نیمی از ۹۷۷ هزار کودک زیر ۱۸ سال، در فقر زندگی می کنند، این بدان معنی است که از هر دو کودک جامایکایی، یک نفر زیر خط فقر به سر می برد. کودکان مناطق روستایی بیشتر از کودکان سایر مناطق در فقر به سر می برند.

زیمبابوه

بحران اقتصادی ۶ ساله زیمبابوه و فقر رو به افزایش مردم آن، موج بزرگی از کودکان راروانه کار به ویژه در بخش کشاورزی کرده است.
به گزارش "زیمبابوه استاندارد" چاپ "هراره"، بیش از ۲۰ درصد نیروی کار مزارع چای کشور زیمبابوه را کودکان تشکیل می دهند.
این مطالعات که توسط اتحادیه کارفرمایان زیمبابوه صورت گرفته، پیرامون نیروی کار مزارع چای زیمبابوه می باشد.
"جان موفوکایر"، مدیر اجرایی اتحادیه کارفرمایان زیمبابوه، علت بالا بودن تعداد کودکان کار در مزارع چای را، فقر و مشکلات اقتصادی کشور دانست.
وی افزود: این مطالعات به منظور برجسته سازی و خامت آمار کودکان کار صورت گرفته ولی تا فقر ریشه کن نشود، ریشه کنی کار کودکان امری محال است.
بحران اقتصادی کشور زیمبابوه در چند سال اخیر موجب ترک تحصیل بسیاری از کودکان از مدرسه شده است، زیرا والدین آنها قادر به پرداخت هزینه های گزاف مدرسه ها نیستند.

سوریه

وزیر کار و امور اجتماعی سوریه در دمشق با نماینده کشورهای عرب در سازمان بین المللی کار درباره پروتکل همکاری فنی امضا شده بین طرفین بحث و گفتگو کردند.
به گزارش "عربیک نیوز" در این جلسه، "آعنا" درباره معیارهای بین المللی کار، اصلاح بازار کار، برنامه های ایجاد فرصت های شغلی جدید و مبارزه با فقر بحث و گفتگو کردند.
این گزارش در این رابطه می افزاید: مبارزه با کار کودکان در سوریه، یکی از بحث های مهم مطرح شده در جلسه بود که در نهایت طرفین به این نتیجه رسید که باید بررسی و مطالعه جامع و دقیقی در راستای ارایه راهکارهای مناسب به منظور پایان بخشیدن به کار کودکان انجام دهد.

غنا

در صورتی که غنا اقدام قابل ملاحظه ای را جهت ریشه کنی کودکان کار در کشور انجام ندهد، احتمال دارد که کشورهای پیشرفته در ارتباط با غنا، روابط خود را با این کشور قطع نمایند.
"جان آنکرا"، معاون وزیر بهداشت اجتماعی غنا گفت: کشور در حال توسعه ای مثل غنا باید نگران باشد که نه تنها تأثیرات منفی کودکان کار کشور بلکه هم چنین تحریم اقتصادی کشور، اقتصاد کشور را نابود خواهد کرد.



وی ادامه داد: نگرانی‌های دول و حکومت‌های سراسر جهان و هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی نسبت به وضعیت نگران‌کننده کار کودکان در غنا، در حال افزایش است.

وی افزود: یکی از پزشکان بر اساس تجربه‌اش می‌گوید که کودکانی که در غنا کار می‌کنند، رشد کامل ذهنی، اجتماعی و فیزیکی نداشته‌اند.

هم‌چنین سرپرست آموزشی ناحیه غرب غنا، گفت: کودکانی که در خارج از مدرسه به سر می‌برند، به فسادهای اخلاقی نظیر نوشیدنی‌های الکلی، قرص‌های توهم‌زا، موادمخدر و بی‌بندوباری جنسی روی می‌آورند. "ویکتوریا اپوکا"، در مراسم تجلیل و تقدیر از سومین دوره فارغ‌التحصیلان مدرسه بین‌المللی "سیلیکون والی" واقع در "افانکو" یکی از شهرهای آکرا، به والدین و سرپرستان کودکان غنایی هشدار داد که به جای به‌کارگرفتن آنان در بازار کار، آنها را در مدرسه نام‌نویسی کنند.

خانم "اپوکو" افزود: آموزش‌های رسمی در مدرسه، باعث ارتقای آموزش‌های مهارتی و بروز استعداد‌های کودکان می‌شود و نقش اساسی را در ساختن و پیشرفت زندگی فرد بازی می‌کند. وی خاطرنشان کرد: آموزش، بهترین میراثی است که می‌توانیم برای فرزندانمان به ارث بگذاریم بنابراین آموزش برای فرزندان غنایی یک حق است، نه یک امتیاز.

خانم "اپوکو" با اشاره به این ماده که "آموزش، ابزاری برای آینده و برای همه ضروری است" و در اساسنامه سال ۱۹۹۲ برای حمایت از آموزش ابتدایی بدون تبعیض جنسیت، نژاد و اعتقادات مذهبی منظور شده است، گفت: "خط مشی حکومت غنا مبنی بر این بوده که کلیه کودکان غنایی باید در سال ۲۰۱۵ در مدرسه مشغول به تحصیل باشند.

آقای "آنینگی"، مدیر مدرسه "سیلیکون والی"، گفت: طرح‌های مختلفی برای توسعه و مرمت کتابخانه مدرسه و مدرن‌سازی کردن کارگاه کامپیوتر مدرسه صورت گرفته و هم‌اکنون این مدرسه برای ارتقا به سطح دبیرستان آماده است.

کامرون

وزیر کار و امور اجتماعی کشور کامرون، در صدد وضع قانونی برای حفاظت از کودکان مشغول به کار، به ویژه در مزارع کاشت کاکائو شده است.

به گزارش پایگاه اینترنتی "کامرون تریبون"، وزارت کار و امور اجتماعی کامرون، کارشناسان سازمان جهانی کار، پژوهشگران اجتماعی و اعضای انجمن شهر کامرون، در صدد بازنگری و وضع قوانین مخالفت با کار کودکان در منطقه مرکزی قاره‌ی آفریقا هستند.

بر اساس این گزارش، از کودکان در منطقه مرکزی آفریقا به خصوص در شکارگاه‌ها، معدن‌ها و اماکن فحشا بهره‌کشی می‌شود این در حالی است که کار کودکان در مزارع کاشت کاکائو، یکی از خطرناک‌ترین مشاغل کودکان است.

این گزارش می‌افزاید: کودکان بسیاری که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند، به عنوان خدمتکار به خانواده‌های ثروتمند فروخته می‌شوند، اگرچه مسأله خدمتکاری کودکان هنوز به طور کامل مورد توجه مراجع بین‌المللی قرار نگرفته، ولی مداخله‌ی ضروری و وسیع مراجع دولتی و قانونی را می‌طلبد.

این گزارش با اشاره به این که بیشتر کودکان کار کامرونی، از خانواده‌های فقیر روستایی به وسیله واسطه‌ها یا خویشاوندان ثروتمند که قول زندگی بهتر را به آنان می‌دهند، خریداری می‌شوند، می‌افزاید: متأسفانه این کودکان به عنوان عضوی از خانه ارباب خود شناخته نمی‌شوند و در کارهای خطرناک و سخت بدون حقوق یا با حقوق کم وارد می‌شوند، غالب این کودکان دچار سوء تغذیه می‌شوند و یا مورد شکنجه روحی و جسمی قرار می‌گیرند، گاهی اوقات نیز دختران مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

کنیا

مشکل به‌کارگیری کودکان در بخش‌های مختلف "یناندوی کنیا" نیازمند راه حل فوری و قطعی است.

به گزارش سی‌ان‌ان آمار کودکان مشغول به کار در بخش یناوندی کنیا نگران‌کننده است و می‌بایست به منظور توسعه و پیشرفت این بخش، راه حلی قطعی و فوری برای این مشکل ارائه شود.

بنابراین گزارش، با وجود تحصیل رایگان در مقاطع ابتدایی، میزان ثبت نام کودکان در مدارس ابتدایی بسیار پایین بوده و درصد بالایی فقر و تعداد زیاد کودکان یتیم به خاطر فوت والدینشان در اثر ابتلا به بیماری ایدز، این کودکان را وادار به پذیرفتن مسوولیت تأمین هزینه و مخارج

خانواده می کند.

این گزارش هم چنین افزود: کودکان بیشتر در بخش کشاورزی و کشت برنج فعالیت می کنند و تعدادی از این کودکان نیز در صنعت سودزای ماهی گیری مشغول به کار هستند، حتی برخی از کودکان یتیم در قبال دریافت غذا و مسکن، به کارهایی مانند پادویی و نگهداری گله روی می آورند.

گابن

پلیس "گابن" در راستای اجرای قانون ممنوعیت کار غیر قانونی کودکان، شروع به جمع آوری کودکان کار خارجی شاغل در این کشور کرد.

به گزارش بخش بین الملل گروه کارگری ایلنا، به نقل از "سان تایمز"، پلیس دولت "گابن" در راستای تحقق قانون ممنوعیت اشتغال کودکان خارجی که به طور غیر قانونی در این کشور کار می کنند، ۶۰ کودک کار خارجی را که به طور غیر قانونی در خیابان های پایتخت این کشور کار می کردند، به همراه کارفرمایان شان دستگیر کرد.

این گزارش می افزاید: از ۶۰ کودک دستگیر شده، ۵۶ نفر آن دختر بودند که بیش از نیمی از آنها از کشور "بنین" و ۴ پسر بچه کودک کار نیز از کشور نیجریه بودند.

گامبیا

دولت گامبیا با امضای توافقنامه ای، برای مبارزه با خرید و فروش کودکان موافقت کرد. به گزارش پایگاه اینترنتی نهضت مبارزه با اشتغال کودکان در اولین کنفرانس سالانه مبارزه با خرید و فروش کودکان، دولت گامبیا اذعان داشت که حاضر به همکاری با کشورهای همسایه جمهوری بنین، بوركینافاسو، غنا، گینه، مالی، نیجر و تنگو برای مبارزه با این بازار در حال رشد است.

در این کنفرانس که به صورت مشترک توسط سفارت آمریکا در گامبیا و دولت گامبیا سازماندهی شده بود، خانم "فانتا سبسی" دبیر اجرایی سازمان رفاه و تأمین اجتماعی این کشور گفت: سازمان رفاه و تأمین اجتماعی نماینده ی قانونی دولت برای محافظت از زنان و کودکان در گامبیا می باشد.

نیپال

کودکان نیپالی که در کارگاه های و صنایع کار می کنند، دچار مشکلات سلامتی مختلف می شوند.

تحقیقات اخیر انجمن تحقیقات بهداشت درباره ۱۰ کارگاه در "کاتماندو"، حاکی از آن است که کودکان کار این کارگاه ها با کمترین حقوق کار می کنند.

بر پایه ی این تحقیقات، کودکان کار این کارگاه ها بیشتر درآمد خود را صرف مشروبات الکلی می کنند که این امر می تواند مشکلات سلامتی جدی را برای آنان به دنبال داشته باشد.

این تحقیقات می افزاید: از ۵۴۵ کارگر این کارگاه ها، ۱۳۵ نفر را کودکان کار تشکیل می دهند که ۹۷ نفر بیسواد هستند.

بیشتر این کودکان نیز بر اثر کار دچار مشکلات سلامتی می شوند.

این گزارش می افزاید: ۵۳ درصد کودکان دچار مشکلات شنوایی هستند و کودکانی که در کوره های آجرپزی کار می کنند نیز از بیماری های انگلی و کم خونی رنج می برند.

نیجریه

افزایش بی سابقه ی کار و قاچاق کودک در نیجریه، ناشی از اوضاع اسفناک اقتصادی مردم این کشور است.

به گزارش سازمان اتحاد و همبستگی جوانان نیجریه، افزایش و شیوع بی سابقه کار و قاچاق کودکان در نیجریه را دلیلی بر فلاکت و فقر مردم دانست.

"الو اتویسن ایدو"، مدیرعامل این سازمان، گفت: کار کودکان در نیجریه به ویژه در ایالت لاگوس به میزان بسیار زیادی افزایش یافته است.

"ایدو" گفت: ایالت لاگوس با بیش از ۱۰ میلیون جمعیت با مناطقی روستایی زیادی همسایگی دارد و کار کودکان در آن بیشتر شایع است.

"ایدو" اظهار کرد: این کودکان از مناطقی روستایی به اجبار والدین و به امید شرایط بهتر به مناطق شهری می آیند.

وی افزود: شواهد نشان می‌دهد که نیجریه یکی از فقیرترین کشورهای جهان است و درآمد روزانه متوسط مردم آن، چیزی حدود یک دلار است. "الواتویسن ایدو"، تأکید کرد: دولت باید برای فقر اقتصادی مردم، مضرات و عواقب کار کودکان و دست فروش‌ها، چاره‌اندیشی کند و با ساماندهی آنان، از تعداد کودکان کار بکاهد.

هند

برنامه‌ی آموزشی که در هندوستان به منظور ریشه‌کنی کار کودکان برگزار شد، از وجود کودکان کار به عنوان "دمل چرکینی بر چهره دمکراسی" تعبیر شد. به گزارش "هندو"، در این برنامه آموزشی، نمایندگان محلی، تجار، صاحبان کارخانه‌ها، معلمان و سازمان‌های غیردولتی حضور داشتند.

مدیر اجرایی این برنامه طی سخنرانی خود، از وجود کودکان کار به عنوان "دمل چرکینی بر چهره‌ی دموکراسی" تعبیر کرد و اظهار داشت: ما در مورد ریشه‌کنی کودکان کار در جامعه هیچ کمبودی از لحاظ قانون نداریم و مشکل اصلی ما عدم آگاهی عمومی از مضرات و خطرات وجود کودکان کار در جامعه است.

وی در این رابطه افزود: کودکان کار هیچ فرصتی برای تحصیل ندارند و این مسأله در آینده به عقب ماندگی اقتصادی هندوستان در عرصه‌ی جهانی خواهد انجامید.

گفتنی است؛ حدود ۱۰/۴ میلیون کودک در هندوستان کار می‌کنند که برخی از آن‌ها به مشاغل سخت روی آورده‌اند.

دولت هند در صدد وضع یک قانون ضد کودکان کار می‌باشد تا وضعیت کاری کودکان کار را در صنایع تولیدی و خدماتی تحت کنترل خود درآورد.

دولت هند هم‌چنین تصمیم گرفته است تا با تشکیل یک گروه ضربت، ضمانت اجرایی این قانون را تضمین کند. این گروه ضربت از نمایندگان ان.جی.او.های مختلف تشکیل می‌شود.

یک مقام مسوول هندی در نشست با ان.جی.او.ها، مأموران دولتی و افسران پلیس عنوان کرد که این لایحه با بودجه بندی سالانه جدید به مجلس عرضه خواهد شد.

"پاتیل"، وزیر مسکن هند در ادامه گفت که پلیس تاکنون یک هزار و ۲۰۰ کودک کار را نجات داده است. "پاتیل" گفت: قصد دارد که تا قبل از ۱۵ اوت سال جاری، شهر را از کودکان کار پاکیزه سازد.

در همین راستا شورای کودکان هند، با ارسال گزارشی از وضعیت فعلی کودکان کار آن کشور به دولت، خواستار ابطال جواز کار کارخانه‌ها و تأسیساتی شد که از کودکان به عنوان نیروی کاری خود استفاده می‌کنند.

بر پایه گزارش‌های منتشره از سوی این شورا، در حالی که شمار کودکان کار در هند به ۹ درصد رسیده است، این تعداد در ایالت "آندرا پراداش" هند بیش از ۲۱ درصد کل کودکان را شامل می‌شود.

این شورا از دولت خواسته است تا با احداث مراکز اطلاعاتی کار کودکان، گام مؤثری را در جهت مبارزه با کار کودکان بردارد.



ما کودکان کاریم

به یاد کودکان کار
به یاد کار آنان
آنان کارگرند
سرگردان و بی چاره
همیشه کار و کار
بازی و تفریحی کجاست؟
ما کودکان کاریم
ما دنیا را می سازیم
ما می گوئیم کارگریم
چه کسی می شنود؟
این حرف های قشنگ را
این حرف های تکراری
کودکان خیابان
بی سرپناه و سرگردان
کارگران کوچه ها
بازار و خیابان ها

آینتا صدیقی - ۱۳ ساله



تهران، خیابان مولوی، باغ فردوس، خیابان شهید اردستانی
کوچه شهید احمد افتخاریان، دومین بن بست سمت چپ، شماره ۴۳
کد پستی: ۱۱۶۸۹۷۳۱۶۳ صندوق پستی: ۳۵۵۶ - ۱۱۳۶۵
تلفن: ۵۵۷۶۶۸۷ - ۹ نمابر: ۵۶۰۳۲۰۵
www.apcl.org.ir
apcl_iran@hotmail.com